



ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day

اصفہان
شہر خلاق
صنایع دستے
و ہنرہای مردمی











ویژه‌نامه روز جهانی
صنایع دستی
10th June World
Handicrafts Day

به سفارش اداره خلاقیت و نوآوری های شهرداری اصفهان

معاون برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری اصفهان دکتر سعید ابراهیمی

مدیر پژوهش، خلاقیت و فناوری های نوین شهرداری اصفهان دکتر مرتضی نصحی

رئیس اداره خلاقیت و نوآوری های شهرداری اصفهان محسن معصومی

کارشناسان اداره خلاقیت و نوآوری های شهرداری اصفهان زهرا محمدی، سهیلا شریعت، الهه مدنی

دبیر نقیسه حاجاتی

مترجم افسانه صادقی

مدیر هنری و طراح لوگو علیرضا مظاهری

دبیر عکس حمیدرضا نیکومرام

عکاسان محمدرضا شریف، رسول شجاعی، آزاده عزیزیان، مهدی زرگر، سارا عباسی نژاد

محسن هیبتیان، زهره سلیمی

طراحی داخلی صفحات اقتباسی از میدان نقش جهان است که لوگوی ویژه‌نامه در محل مسجد

جامع اصفهان، یک بته جقه در محل بازار قیصریه، دو مربع یکی در محل مسجد شیخ لطف‌الله و

دیگری در محل عمارت عالی قاپو قرار دارد.



فهرست

روایت‌هایی از گزیده صنایع دستی اصفهان / ۹

جان‌کلام هنرمندان صنایع دستی اصفهان / ۳۱

نگاه نو به صنایع دستی اصفهان / ۳۹

دانش‌پنیا‌های صنایع دستی اصفهان / ۴۵

روایت صنایع دستی اصفهان در یک نگاه / ۵۳



اصفهان زیبا
گروه رسانه‌ای

Isfahanziba.ir

طراحی و تولید محتوا شرکت فرهنگی هنری مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا

مدیرمسئول دکتر علی قاسم‌زاده

مدیرعامل احسان تیموری

تلفن ۰۳۱۳۲۲۱۸۱۸۲ فکس ۰۳۱۳۲۲۱۹۰۷۰

امور آگهی‌ها ۰۳۱۳۲۲۲۹۵۱۲ امور اشتراک ۰۳۱۹۵۰۱۲۰۴۱

شماره پیامک ۳۰۰۰۴۸۳۰۸۸

اصفهان، میدان امام حسین علیه‌السلام،

خیابان طالقانی، مقابل ارگ جهان‌نما

طبقه فوقانی پارکینگ طالقانی

همگرایے برای ترویج صنایع دسته هدف مدیریت شهری اصفهان است

علی قاسم زاده، شهردار اصفهان



صنایع دستی اصفهان، از اصیل ترین نمونه های هنری در میان تولیدات جهانی هنر و صنایع دستی است، تنوع بی نظیر صنایع و هنرهای دستی در ده ها رشته و صدها زیرشاخه، از این شهر مجموعه ای بی بدیل و کانونی معتبر، برای هنرمندان و هنردوستان پدید آورده است. هنر در هر گوشه و کنار و هر کوی و برزن این شهر جاریست از چوب در منبت و معرق، از سنگ های معدنی در فیروزه کوبی، از سنگ های قیمتی و فلزات در طلا و جواهرسازی، نقره کاری و مسگری، قلم زنی و ملیله سازی، از رنگ و بوم در مینیاتور و نگارگری، از گچ و سنگ در گچبری و سازه های تجسمی، از نساجی و قلمکارسازی، بافت فرش و گلیم های محلی تا ابریشم بافی و سوزن دوزی، چرم دوزی، از سنگ و استخوان تا چوب و عاج در خاتم کاری، نگاره ها و بافت های اصفهان، کار با چرم و پارچه و چاپ و طراحی بر روی آن، در یک کلام هنر در هر رشته، در اصفهان سررشته ای دارد.

وجود بازارچه های محلی و فراوان در اصفهان، امکان دسترسی آسان به محصولات هنری را فراهم آورده است. فرصتی ویژه برای گردشگران که باعث شده تا از ایران و سراسر جهان، برای تماشا و خرید آثار هنری به این شهر سفر کنند.

شهر تاریخی اصفهان در مرکز ایران واقع شده و سومین شهر بزرگ کشور از لحاظ وسعت و جمعیت است. به لحاظ تولید هنر و تعدد رشته های رایج و زنده هنری نه تنها در ایران که در جهان، نامدار و سرآمد است. یونسکو از سال ها پیش «شبکه شهرهای خلاق» را راه اندازی کرده و به معرفی شهرهایی پرداخت که دارای یکی از هفت معیار اصلی شامل «ادبیات»، «خوراک شناسی»، «صنایع دستی و هنرهای بومی»، «موسیقی»، «هنرهای رسانه ای»، «طراحی» و «فیلم» باشد. معیارهایی که بیانگر روح حاکم بر فعالیت های آن شهر خاص است و اصفهان در سال ۱۳۹۴ با شاخص بودن در زمینه صنایع دستی به عضویت شبکه شهرهای خلاق یونسکو درآمد.

مدیریت شهری اصفهان با هدف توسعه و ترویج صنایع دستی و هنرهای مردمی در شهر به دنبال شبکه سازی و ایجاد همگرایی بیشتر بین نهادهای حاکمیتی و هنرمندان و تمامی فعالین حوزه صنایع دستی می باشد.

در پایان از تلاش های همکاران معاونت برنامه ریزی و توسعه سرمایه انسانی بویژه اداره خلاقیت و نوآوری که مجموعه رویدادهایی را با مشارکت سازمان ها و نهادهای مختلف به مناسبت روز جهانی صنایع دستی برنامه ریزی نموده اند، تشکر می نمایم.

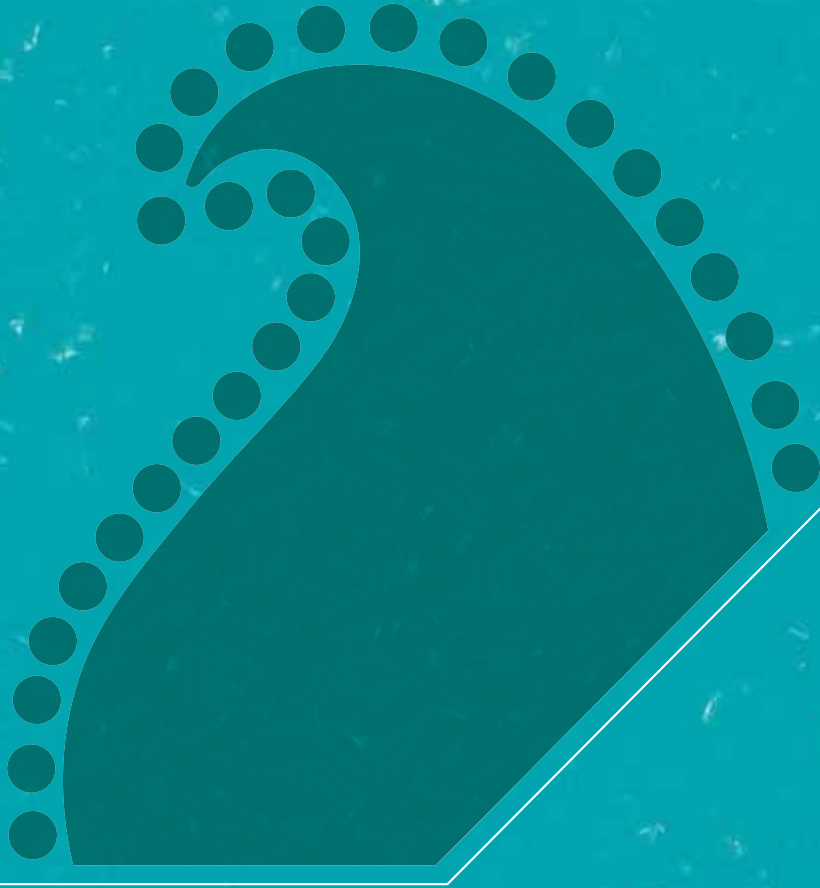
اصفهان؛ شهر خلاق صنایع دستی و هنرهای مردمی

جایگاهی برای نصف جهان در شبکه شهرهای خلاق یونسکو

بیست و یکم آذرماه ۹۴ (۱۲ دسامبر ۲۰۱۵) سازمان علمی و تحقیقاتی ملل متحد، نام اصفهان را به عنوان شهر خلاق حوزه صنایع دستی و هنرهای سنتی در شبکه شهرهای خلاق یونسکو ثبت کرد. پرونده اصفهان به عنوان شهر خلاق در حوزه صنایع دستی و هنرهای سنتی از سال ۹۲ توسط سازمان میراث فرهنگی مطرح و پس از موافقت مقامات استان، با همکاری معاونت امور هماهنگی و بین الملل شهرداری اصفهان، هیئتی کارشناسی به مدیریت جهاد دانشگاهی و کارشناسان صنایع دستی اصفهان تشکیل و پس از تدوین به سازمان یونسکو ارسال شده بود. در انتخاب شهرها به عنوان شهر خلاق، سازمان یونسکو به بررسی زیرساخت های موجود در رابطه با موضوع انتخابی به عنوان شهر خلاق می پردازد. بنابراین مواردی چون تعداد هنرمندان صنایع دستی در شهر، تعداد فروشگاه ها و مراکز عرضه صنایع دستی (مراکز فروش و صادرات صنایع دستی)، تعداد کارگاه های صنایع دستی، تعداد مراکز آموزش عالی در حوزه صنایع دستی، کیفیت و کمیت آموزش های عمومی و تخصصی صنایع دستی، تعداد مراکز نمایشگاهی صنایع دستی و تعداد کتابخانه های تخصصی در موضوع صنایع دستی باعث شدند که اصفهان به شبکه جهانی شهرهای خلاق بپیوندد. این سازمان در سال ۲۰۰۴ تأسیس شده و حالا ۱۱۶ عضو دارد. امسال ۴۷ شهر از ۳۳ کشور جهان به عضویت این سازمان درآمدند. همراه با اصفهان ۶ شهر دیگر هم امسال عنوان «شهر خلاق حوزه صنایع دستی و هنرهای مردمی» را از آن خود کردند. اگر به سایت شبکه شهرهای خلاق یونسکو مراجعه کنید، نام پنجاه و نه شهر خلاق در زمینه صنایع و هنرهای مردمی (Crafts & Folk Art) را می بینید که عبارت اند از: الاحصا (Al-Ahsa) در عربستان سعودی، آرگوا (Aregua) در پاراگوئه (Paraguay)، اسوان (Aswan) در مصر، آیاکوچو در پرو، باگیو در فیلیپین، بامیان (Bamiyan) در افغانستان، بندرعباس در ایران، بارسلوس در پرتغال، بیلا در ایتالیا، قاهره در مصر، کالداس داراین ها در پرتغال (Caldas da Rainha)، کارارا در ایتالیا، چیانگ مای در تایلند، چردلگ در اکوادور، دورن (Durán) در اکوادور، فابراینو در ایتالیا، گابروو در بلغارستان، ایچئون (Icheon) کره جنوبی، اصفهان (Isfahan) در ایران، جکمل (Jacmel) در های تی، جیبور (Jaipur) در هندوستان، جینجو در کره جنوبی، جوآ پساوآ در برزیل، کاناوا (Kanazawa) در ژاپن، کارگوپول در روسیه، کوتاهیا در ترکیه، لیمز در فرانسه، لوبومباشی (Lubumbashi) در جمهوری دموکراتیک کنگو، مادابا در اردن، نایو در باهاماس، اوآگادو در بورکینافاسو، پادوکای ایالت کنتاکی آمریکا، پکالونگان (Pekalongan) اندونزی، پورتو نوو در بنین، سان کریستوبل دلاسکازاس (San Cristóbal de las Casas) در مکزیک، سانتافه (Santa Fe) در مرکز ایالات متحده آمریکا، شارجه در امارات متحده عربی، شکی در آذربایجان، سوکودو در توگو، سوختوای در تایلند، تتوآن در مراکش، ترینیداد در کوبا، شهر تونس از کشور تونس و ویلجاندی در استونی.







روایت‌هایی از گزیده
صنایع دستی اصفهان





مَنْقَش‌های فلزی

قلمزنی؛ صنایع دستی که از نقش قلم بر فلز خلق می‌شود

هنرمند و استادکار قلمزنی، قلم‌های فولادین ویژه‌ای دارد که با فرود آوردن چکش بر آن‌ها نقوش را بر تن فلزی محصولاتش ایجاد می‌کند و این رشته صنایع دستی چنان در اصفهان ریشه دارد و پرتوان اجرا می‌شود که هرکجای ایران نام قلمزنی برده شود، نام اصفهان هم به اذهان متبادر می‌شود. روند خلق محصولات قلمزنی هم به این صورت است که ابتدا پشت یا داخل ظرف یا صفحه فلزی موردنظر را قیبریزی می‌کنند. سپس با ضربات چکش و قلم مخصوص نقش‌ها را ایجاد می‌کنند. در پایان با حرارت دادن ظرف موردنظر قیبر را از کالبد اثر جدا می‌کنند. قلمزنی ریز که به سیاه‌قلم معروف است و قلمزنی برجسته دو شیوه مشهور قلمزنی است. طرح‌های مورد استفاده در شیوه ریز اغلب طرح‌های اسلیمی، صورت، تصاویر مینیاتور است که به شیوه پرداز و سیاه‌قلم ساخت و ساز می‌شوند. در شیوه قلمزنی برجسته طرح‌ها اغلب گل و مرغ، ابنیه، خط و حدیث و طرح‌های کم ساخت و سازتر است در عوض در این شیوه کار قسمت‌های موردنظر هنرمند برای دادن عمق و بعد برجسته می‌شوند ولی در شیوه ریز به وسیله سایه و روشن‌های ایجاد شده عمق و بعد را تداعی می‌نمایند.





لاکچری‌های فیروزه‌ای

فیروزه‌کوبی؛ صنایع دستی که از فلز و سنگ خلق می‌شود

اولین چیزی که درباره هنری به نام فیروزه‌کوبی تعجب‌تان را برمی‌انگیزد، این است که قدمتش به یک قرن هم نمی‌رسد درحالی‌که این روزها در میدان نقش جهان هر جا بگردید، انواع محصولات فیروزه‌کوبی از جمله گلدان، شیرینی خوری، انگشتر، قوری و سماور، کاسه و گلدان و آئینه را می‌بینید و جزو صنایع دستی لوکس و گران قیمت اصفهان هم محسوب می‌شود. حتی این محصولات بسیار زیاد به عنوان هدیه مسئولان بلندپایه به مهمانان و سفرا اهدا می‌شود و جزو اقلام صادراتی صنایع دستی هم محسوب می‌شوند. مثلاً فروشگاه‌های را در مسقط دیدم که فقط چهار، پنج نوع صنایع دستی از ایران داشت و یکی هم فیروزه‌کوبی اصفهان بود، یعنی ظرفی مسی که بر بدنه‌اش سنگ‌های فیروزه را به شکل پازل تثبیت کرده بودند. برای تولید چنین محصولاتی، استادکارها و هنرمندان دو مرحله کلی را طی می‌کنند؛ زرگری و فیروزه‌کوبی. ساختن زیرساخت شیء موردنظر با یکی از فلزات مس، برنج، نقره و یا برنز یکی از مراحل مهم است. مرحله دیگر این است که صنعتگر خرده‌سنگ‌های فیروزه غیرقابل استفاده در کارگاه‌های فیروزه‌تراشی را از کارگاه‌های فیروزه‌تراشی خریداری می‌کند و در کارگاهش مرحله الک کردن را انجام می‌دهد تا ضایعات از دور خارج شوند. مرحله دانه‌بندی سنگ‌ها هم انجام می‌شود تا سنگ‌های تقریباً هم‌اندازه و هم‌رنگ در کنار هم قرار بگیرند. بعد، قسمتی را که باید فیروزه کوب شود، مشخص و اطراف آن را یک رشته باریک فلزی (از انواع فلز خود شیء) لحیم می‌کنند، به‌گونه‌ای که اطراف فرم موردنظر دیواره‌ای به ارتفاع دو تا سه میلی‌متر از سطح ظرف اضافه می‌شود. مرحله بعد، حرارت دادن است البته بعد از آن که روی قسمت‌های مشخص شده رالاک گرفته‌اند تا در دما، لاک ذوب شود و بعد، بتوانند سنگ‌ها را روی ظرف در کنار هم و بی‌فاصله قرار دهند. قسمت‌های پوشیده شده از لاک و سنگ فیروزه را به وسیله سنگ آب ساب می‌کنند تا قسمت‌های اضافی لاک و برجستگی‌های جزئی سنگ‌ها ساییده و صیقل شود. آخرین مرحله کار فیروزه‌کوبی، پرداخت کاری است که در دو مرحله انجام می‌شود؛ پرداخت قسمت‌های فلزی که در آن لایه کدر و تیره‌رنگی را که بر روی قسمت‌های فلزی در حین عمل فیروزه‌کوبی ایجاد شده، به وسیله ابزارهای دستی و یا تیغه چرخ‌کاری از روی آن برمی‌دارند و سپس این قسمت‌های فلزی را پولیش می‌کنند تا شفاف و صیقلی شود. در مرحله پرداخت فیروزه‌کوب هم پولیش با روغن زیتون یا روغن کنجد انجام می‌شود و محصول فلزی فیروزه‌ای درخشان خلق می‌شود.



ویژه‌نامه روز جهانی
صنایع دستی
10th June World
Handicrafts Day

نقش و نگارهای توری

ملیله‌کاری؛ صنایع دستی که از مفتول‌های فلزی تهیه می‌شود

در بسیاری از ویتترین‌های فروشگاه‌های صنایع دستی شیرینی‌خوری‌های نقره‌ای رنگی را می‌بینید که از توری‌های فلزی خلق شده‌اند. ماجرا این است که مفتول‌های نقره را به تعداد زیاد در قالب ریز نقش‌هایی مانند اشک، برگ، پیچک، بنه‌ترمه، غنچه و غیره در کنار هم قرار می‌دهند و هنری را خلق می‌کنند که به ملیله‌کاری مشهور است. برای تهیه نوار ملیله نقره مذاب را به شکل مفتول چهار پهلو قالب‌ریزی می‌کنند، سپس آن را حرارت داده و از میان دستگاه نورد عبور می‌دهند تا آماده حدیده کردن شود. عمل حدیده کردن موجب به دست آمدن مفتول‌هایی با ضخامت یکنواخت می‌گردد که نوار ملیله نامیده می‌شود. مرحله بعد این است که ملیله ساز قالبی بسازد و روی یک صفحه مسی قرار دهد و تمام سطح آن را موم‌اندود کند. سپس نواری را که پهنایی بیش از نوار ملیله دارد از اطراف قالب می‌گذارند تا شکل قالب را به خود گرفته و در موم فرورود. فضای خالی مابین مفتول‌های ضخیمی که بر روی قالب قرار داده شده‌اند را به وسیله پیچ‌های آماده ساخته شده از نوار ظریف ملیله پررژه می‌کنند. در پایان تمام‌کار را با مفتول‌های بسیار ظریف فولادی به یکدیگر می‌بندد تا تغییر شکل ندهد، سپس با حرارت دادن صفحه مسی قالب را از موم جدا و بر روی سطحی هموار قرار می‌دهند، مقداری گرده لحیم روی آن ریخته به وسیله حرارت دادن گروه لحیم را ذوب می‌نمایند که باعث اتصال پیچ‌ها می‌گردد. قسمت‌های لحیم‌کاری شده باید به‌گونه‌ای پرداخت شود که محل‌های اتصال قابل‌رؤیت نباشد به همین منظور محصول را در تشتکی حامل محلول رقیق اسید قرار می‌دهند و با برس سیمی ظریفی ملیله ساخته شده را پرداخت می‌نمایند تا لکه‌ها و اضافات روی نقره از بین برود البته بهتر است به روش‌های مختلف مثل پاشیدن یک‌لایه محافظ، از اکسید شدن تدریجی و پدیدگی رنگ محصولات ملیله که به‌مرور زمان حاصل می‌شود جلوگیری کرد. محصولات مختلفی به این روش خلق می‌شوند از ظروف کاردی گرفته تا زیورآلات.





پررنگ و لعاب‌های مینایی

میناکاری؛ صنایع دستی که از رنگ و فلز و لعاب خلق می‌شود

پای ثابت فروشگاه‌های صنایع دستی در اصفهان، هنری به نام میناکاری است؛ هنرمندان و استادکاران و هنرجهایی را می‌بینید که بشقاب و گلدان به دست گرفته‌اند و با قلمو طرحی را بر کالبد فلزی ظروف تزئینی یا کاربردی نقش می‌کنند. هنر میناکاری استفاده از انواع لعاب‌های معدنی برای رویه آرای و تزئین قطعات و ظروف فلزی است. در ابتدا ظرف مسی را مسگر باید به روش خم‌کاری و با چکش‌کاری تهیه کند و در اختیار میناکار قرار دهد. در گام بعدی باید آلودگی‌های روی ظرف مسی برداشته شود در حدی که حتی اثرانگشت میناکار هم کمی چربی دارد که کار را خراب می‌نماید به همین دلیل هم ظرف را در اسیدی رقیق مانند اسیدسولفوریک فرومی‌برند و یا از سرکه و نمک استفاده می‌کنند تا ظرف از آلودگی پاک شود و بعد از آن ظرف را با چوب برداشته و داخل خاک‌اره می‌گذارند. در این مرحله با کمپرسور باد خاک‌اره را تمیز کرده و لعاب سفید زیر کار را ایجاد می‌کنند. لعاب را که روی کار قرار دادند و تمیز شد داخل کوره قرار می‌گیرد و به مدت سه دقیقه با حرارت ۸۵۰ درجه حرارت می‌بیند که گاهی چند بار این پخت انجام می‌گیرد تا میناکار به رنگ سفید دلخواه خود دست یابد. حالا نوبت رنگ‌کاری و نشان دادن نقش‌ها بر روی کار است. هنرمندان خبره خود طرح را می‌کشند ولی بعضی از تازه‌کاران از طرح‌های سوزن زده شده و انتقال آن با دوده بر روی کار استفاده می‌نمایند. کشیدن طرح مورد نظر که معمولاً برگرفته از نقوش اسلامی و ختایی، گل و مرغ، شکارگاه و صورت‌سازی است با قلم‌گیری آغاز می‌شود و ابتدا خطوط اصلی طرح را قلم‌گیری و سپس قسمت‌های مختلف را رنگ‌آمیزی می‌کنند البته می‌توان ابتدا طرح را رنگ‌آمیزی و سپس دور آن را قلم‌گیری کرد. حالا نوبت پخت نقاشی است. پس از آنکه نقاشی روی لعاب پایان یافت، باید مجدداً قطعه را در کوره حرارت داد. آخرین مرحله کار تکمیل و برطرف کردن عیوب است. باید از زه‌های برنجی یا نقره‌ای استفاده کرد و به وسیله آن، لبه اشیاء مینایی را پوشانده و بالحمیم نقره جوش داد. سه سبک نقاشی، خانه‌بندی و شکری از جمله سبک‌های مطرح میناکاری هستند.





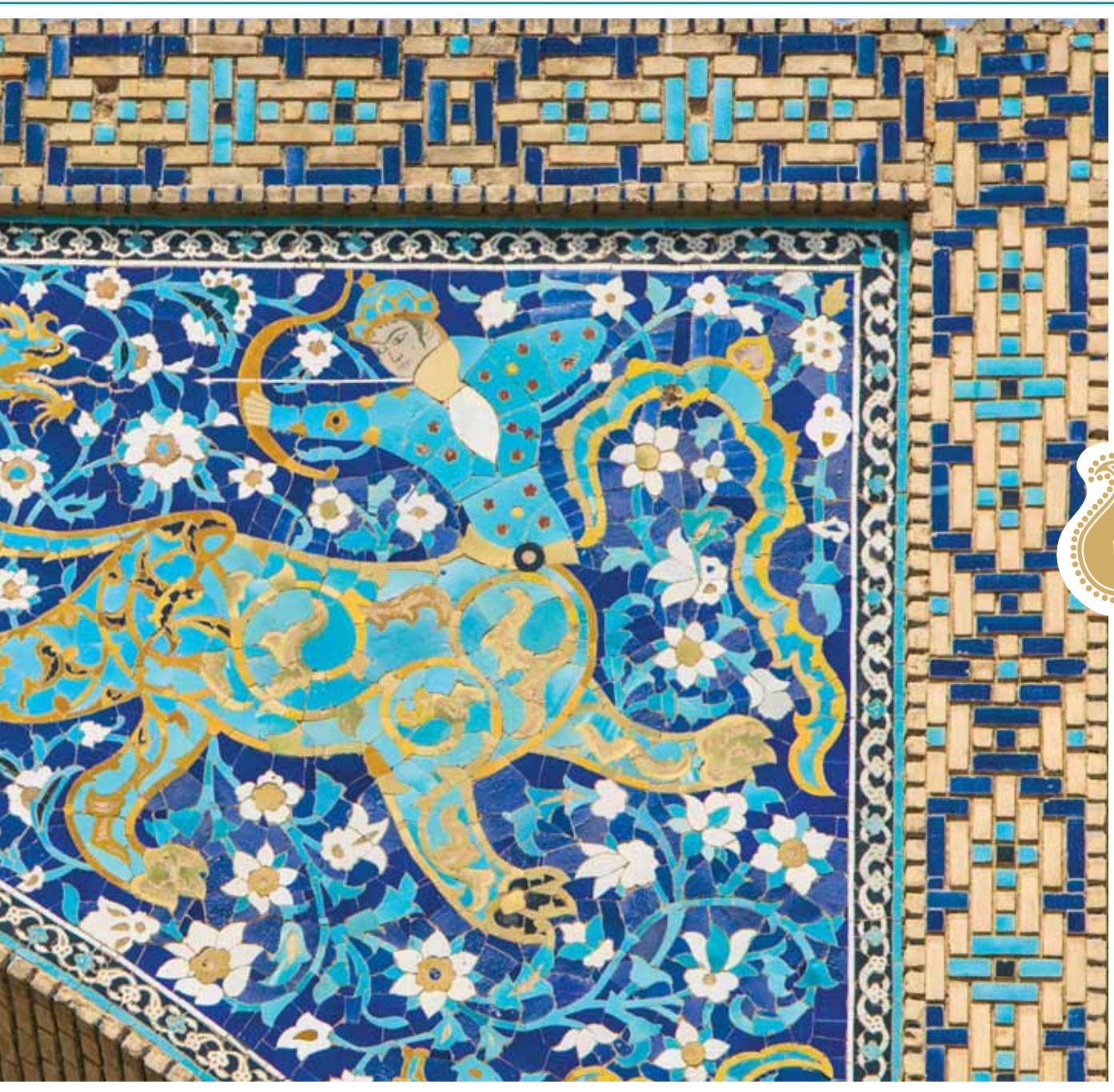


مسینه‌های پرنوا

مسگری؛ صنایع دستی که از ضربات چکش بر مس خلق می‌شوند

نوای آشنای بازار اصفهان، صدای بازار مسگرهاست. شمش و ورقه مسی را چکش‌کاری و به ظروف مسی تبدیل می‌کنند و این کار به نام مسگری معروف است. نقل است که می‌گویند تا پیش از این که بشر کشف کند که می‌تواند فلزات را در کوره‌ها ذوب و هنر متفاوتی را خلق کند، از راه چکش‌کاری مس ظروف دلخواهش را می‌ساخته و این کار را تا اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد هم انجام می‌داده است. تا جایی که پیکان، درفش، سنجاق و... را به همین روش ساخته بوده و هنوز هم یادگارهایی از این آثار را می‌توان در موزه‌ها دید. ظروف کوچک را با مس یک‌تکه می‌سازند یعنی چکش‌کاری بر یک‌تکه مس انجام می‌شود و ظروف هم اغلب تو گود هستند. ابتدا مس را با چکش‌کاری، از هر دو طرف باز می‌کنند و پس از هر دور باز کردن، یک تاب به آن می‌دهند. اشیاء بزرگ‌تر را هم به همین طریق از ورقه‌های گرد به دست می‌آورند. اما برای ظروفی که بزرگ هستند از چندتکه مس استفاده می‌شود. مثلاً در ابتدا صفحه را خم می‌کنند و به شکل استوانه درمی‌آورند. سپس یک صفحه گرد را به دست گرفته لبه آن را با چکش زدن به سمت بالا می‌آورند و آن را به آرامی گود می‌کنند. محل اتصال آن‌ها درز دندان‌های است که نوعی مفصل زبانه و کام محسوب می‌شود و به این کار در اصطلاح سنتی هم‌کردن لقب داده‌اند. چکش‌کاری و ایجاد فرم که انجام شد، استادکار به وسیله یک چکش بدون دسته (فولاد آبدیده تخت، قالب‌تنه) رویه کار را صاف‌کاری می‌کند تا اثرات چکش‌کاری تا حد امکان از بین برود. در نگاه کلی باید بگوییم، ورقه ابتدایی که مسگر، کارش را از آن شروع می‌کند، همیشه ضخامت بیشتری از ورقه مسی در محصول نهایی دارد. دیگ، قابلمه، آبکش، قاشق و کفگیر، تنگ، سینی و انواع زیورات از جمله محصولات هستند که مسگرها می‌سازند. البته بعضی از محصولات مسی، یک مرحله سفیدگری را هم می‌بینند. به عبارتی اگر قرار باشد در ظرف غذا بپزید یا سرو کنید، ظرف مسی این مرحله را باید از سرگذرانده باشد؛ مرحله‌ای که طی آن بدنه داخلی ظرف به وسیله حرارت داغ و بالابیه‌ای از قلع پوشانده می‌شود.





نقشِ خشت

کاشی‌کاری؛ هنری که از خشت و رنگ خلق می‌شود

اصفهان به کاشی‌هایش مشهور است و این کاشی‌ها با نقوش متنوع هم در بناهای مذهبی مانند مساجد، کنیسه‌ها و کلیساها دیده می‌شوند هم در کاخ‌های سلطنتی و خانه‌های تاریخی. در لغتنامه دهخدا در توضیح واژه کاشی نوشته‌اند: «نوعی از خشت تنک باشد که نقاشی کنند و آبگینه ساییده بر روی آن بمالند و بپزند چنانکه شبیه به چینی شود.» در فرهنگ معین اما کاشی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «آجر لعاب‌دار ساده یا نقاشی شده». اما روند تهیه کاشی این‌گونه است که خشت رس با به‌کارگیری لعاب دو بار پخته و به کاشی تبدیل می‌شود. در ابتدا بدنه آن در دمایی میان ۸۰۰ الی ۹۰۰ درجه و سپس لعابش در دمایی بین ۹۵۰ الی ۱۰۰۰ درجه سانتی‌گراد پخته می‌شود. تزیینات کاشی هم معمولاً به سه روش هفت‌رنگ (خشتی)، مشبک یا معرق خلق می‌شوند. کاشی هفت‌رنگ، انتقال طرح بر روی خشت‌های ساده کاشی و رنگ‌آمیزی آن‌ها با لعاب‌های رنگی و پخت این لعاب‌ها در کوره است. وقتی هنرمند یا استادکار کاشی‌های تراشیده شده را در حکم قطعات یک طرح پازلی ارائه می‌دهد، در اصل طرح، کاشی معرق است. به عبارتی، قسمت موردنظر از طرح را که بر روی کاغذ ترسیم شده است، روی سطح خشت لعاب‌دار کاشی با رنگ موردنظر می‌چسبانند و بعد از آن به کمک تیشه که در انواع مختلف است قطعه کاشی موردنظر را شکل داه و به فرم دلخواه می‌تراشند. سپس تمامی قطعات تراشیده شده سوهان زده می‌شود تا کاملاً در کنار هم جفت شوند قطعات را به طوری که سطح لعاب‌دار آن بر روی زمین باشد در کنار هم می‌چینند تا طرح تکمیل گردد در پایان یک لایه دوغاب گچ به صورت بوم زمینه در پشت کار می‌ریزند تا یک‌تکه کاشی با طرح موردنظر به دست آید که آماده نصب در محل موردنظر است. در مورد کاشی هفت‌رنگ روی خطوط طرح موردنظر که بر روی کاغذ ترسیم شده سوزن فرومی‌کنند که بعد از این که کل یک طرح به این روش کار شد با ریختن گرد زغال روی منفذهای ایجاد شده شکل و طرح موردنظر را بر روی خشت‌های کاشی انتقال می‌دهند پس از آن طرح را برحسب ذوق و سلیقه رنگ‌آمیزی کرده و جهت پخت به داخل کوره می‌گذارند.





میراث جهانی پر جزئیات

صنایع دستی که از رنگ و نقش بر کالدهای متنوع پدیدار می‌شوند

وقتی نام مینیاتور در فهرست میراث جهانی بشر ثبت شد و اسم ایران هم به عنوان یکی از کشورهای صاحب سخن و میراث دار این حوزه در پرونده به ثبت رسید، اصفهانی‌ها دوصدچندان خوشحال شدند چون نگارگری مکتب اصفهان در تاریخ این خطه جایگاه اساسی دارد و هنوز هم بر تن بناهای تاریخی شهر، هم در موزه‌های مهم دنیا و هم در فروشگاه‌های صنایع دستی که در میدان نقش جهان و فضاهای مختلف اصفهان دیده می‌شود، و طرفداران بسیاری دارد. هنرمند نگارگر (مینیاتوربست) معمولاً طرح‌هایی را ملهم از مضامین ادبی و عرفانی بر کاغذ ایجاد و سپس بر بوم منتقل می‌کند. ابزار کارش قلم‌موهایی از مویی نرم سنجاب، گربه و سمور است و رنگ‌های دست‌ساز و بوم مینیاتور (تخته، کاغذ، مقوا، فیبر، عاج، استخوان و غیره). رنگ‌گذاری، قلم‌گیری، تزئینات و اجرای تذهیب و تشعیر هم از مراحل کارش است و نتیجه، نقوشی پر از جزئیات است که با بر بوم خلق شده و قرار است بر دیوار خانه‌ها و موزه‌ها چشم‌نوازی کند، یا بر اشیایی تزئینی و کاربردی و در تلفیق با هنرهای دیگر مانند خاتم‌کاری سوغات اصفهان می‌شود برای هنردوستان.







نگاره‌های پارچه‌ای

قلمکاری؛ هنری که از رنگ و پارچه خلق می‌شود

هند و ایران در تولید یک صنایع دستی پارچه‌ای به وفاق رسیده‌اند که اسمش «قلمکاری» یا «چیت‌سازی» یا «چاپ مهری روی پارچه» است. حالا طراحان لباس و لوازم منزل رهسپار جیبور می‌شوند تا پارچه‌های چاپ مهری این شهر زیبای هند را بخرند و اصفهان هم با انبوه فروشگاه‌ها و برندهای خلاق که پارچه‌های قلمکاری با نقوش اصیل اما خلاقانه و مد روز تولید می‌کنند، جایگاه ویژه‌ای در این حوزه دارد. البته برای دیدن این پارچه‌ها حتی می‌توانید رهسپار اروپا شوید، برخی از نفیس‌ترین پرده‌های قلمکار تولید اصفهان را می‌توانید در موزه جهان وین، موزه پرگامون برلین و شماری از مهم‌ترین موزه‌های جهان ببینید. اما به چه محصولی می‌توانیم لقب قلمکاری بدهیم؟ جواب کمی پیچیده است؛ در تاریخ آمده که به نقاشی با قلم روی پارچه‌های پنبه‌ای و ابریشمی، قلمکار می‌گفته‌اند اما به مرور برای سرعت بخشیدن به کار قلم و قلمو را کنار گذاشتند و مهرهای چوبی با نقوش مختلف ساختند و چاپ مهری را در پیش گرفتند اما نام قلمکاری در بین مردم ماند و به این روش جدید همان نام قبلی را دادند. پارچه‌های بسیاری هم داریم که هنرمند هم از چاپ مهری و هم از نقاشی برای خلقشان استفاده کرده است. پارچه‌های ابریشمی هم جایشان را به کرباس، متقال، چلووار و کتان داده‌اند. برای تولید پارچه قلمکار، استادکاران مختلفی تلاش می‌کنند. جالب اینکه مهارت سنتی قلمکاری و مهارت قالب تراشی یا مه‌رسازی برای چاپ روی پارچه هر دو در فهرست میراث ناملموس ایران به ثبت رسیده‌اند. استادکار قالب‌قلم‌کارسازی، قالب‌های چوبی را از چوب‌های مختلف با نقوش متنوع (بیشتر چوب‌گلابی و زالزالک) می‌سازد. استادکار دیگر مراحل چاپ یا نقاشی را انجام می‌دهد و می‌توان گفت برای خلق پرده قلمکار این مراحل طی می‌شود: برش پارچه در ابعاد انتخابی، ریشه‌تایی حاشیه پارچه، شست و شوی پارچه‌ها در آب پوست انار برای نخودی رنگ کردن زمینه پارچه، بهن کردن پارچه‌ها در محل‌های آفتاب‌گیر تا زمان خشک شدن، اتو کردن پارچه‌ها به وسیله پرس‌های سنگین سنگ‌های آسیاب، رنگ زدن روی استامپ به وسیله قلم‌مو و گذاشتن مهرهای چوبی روی پارچه و زدن ضربه به روی آن و سپس قرار دادن پارچه‌های نقاشی و چاپ شده در محلول رناس برای تثبیت رنگ. استادکاری که عملیات چاپ مهری را انجام می‌دهد به ترتیب رنگ‌های سیاه، قرمز، آبی، سبز و زرد را که از مواد طبیعی گرفته شده‌اند بر روی پارچه اجرا می‌کند.



ویژه‌نامه روز جهانی
صنایع دستی
10th June World
Handicrafts Day





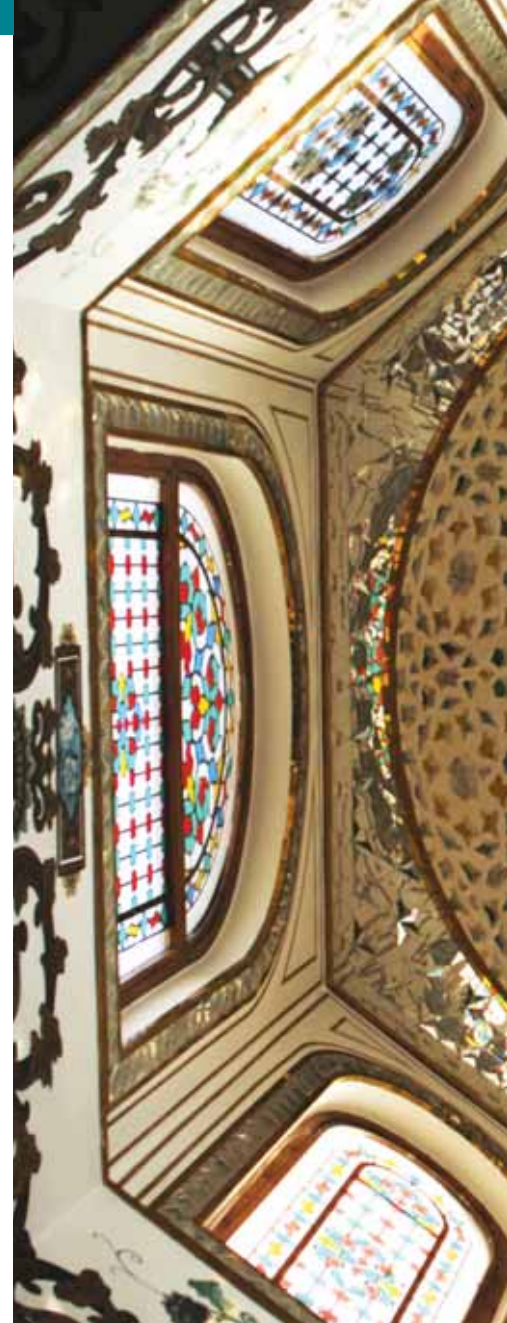
آثار هنری آئینه‌ای

آئینه‌کاری؛ هنری که از کنارهم نشانند آئینه‌ها خلق می‌شود

کافی است به ایوان چوبی چهل ستون یا تزئینات طبقه دوم کاخ هشت بهشت با دقت نگاه کنید؛ نه فقط به سابقه تاریخی ارتباط ایران و ایتالیا پی می‌برید، بلکه ازجمله زیباترین نمونه هنرهای سنتی وابسته به معماری یعنی آئینه‌کاری را می‌بینید. درروش سنتی، تمامی قطعه‌های آئینه به شکل هندسی و گوشه‌دار بریده می‌شوند و در کنار هم قرار می‌گیرند درحالی‌که درروش آئینه‌کاری با آئینه‌های محدب، آئینه‌ها دوردادار و منحنی بریده می‌شوند و با شکل‌های غیرهندسی در کنار هم قرار می‌گیرند. برای شروع آئینه‌کاری، نخست با بررسی سطحی که قرار است تزئین شود، طراحی توسط معمار یا استاد آئینه کار صورت می‌گیرد و روی کاغذ پیاده می‌شود. قطعات آئینه متناسب با طراحی صورت گرفته بریده می‌شود و روی کاغذ یا پازل کنار هم چیده می‌شود. چنانچه طرح پیچیده باشد کاغذ را سوزنی می‌کنند، روی دیوار قرار می‌دهند و با گرد زغال طرح را منتقل می‌کنند ولی استادان زبردست معمولاً نیازی به این کار ندارند و از گوشه کادر شروع به چسباندن تکه‌های آئینه می‌کنند آن‌هم با خمیری که آمیزه‌ای از گچ و سریش است. حتی بسته به مهارت استادکار، طراحی هم ممکن است در حین اجرا انجام شود. در مواردی که آئینه‌کاری دارای سطح برجسته باشد، زمینه کار را قبلاً گچ‌بری کرده و آماده می‌کنند. پس از اتمام چسباندن آئینه‌ها، سطح کار را تمیز کرده و جلا می‌دهند. درگذشته آئینه را خود استادکارها می‌ساختند و اساتید ماهرتر، آئینه‌های شفاف‌تر با طول عمر بیشتر می‌ساختند. کار خوب آئینه‌کاری را بیش از همه از جزم و جفت بودنش باید شناخت که وقتی دست روی آن می‌کشید یکپارچه و یکنواخت حس شود. گویی یک صفحه آینه است که بالا و پایین می‌رود و تکه‌های جدای آئینه احساس نمی‌شود. راه دیگر شناخت، بررسی هندسه آن است. طرح‌های متقارن به درستی ایجاد شده باشد، گوشه‌ها و زوایای قائمه تمیز و دقیق باشد. نکته دیگر توجه به روش اجرا و برش هاست. در یک آئینه‌کاری خوب آئینه‌ها تمیز و بدون ریختگی کاملاً برش یافته‌اند نه این‌که روی یک آئینه خط انداخته شده باشد.



ویژه‌نامه روز جهانی
صنایع دسته
10th June World
Handicrafts Day





چوبینه‌های استوار

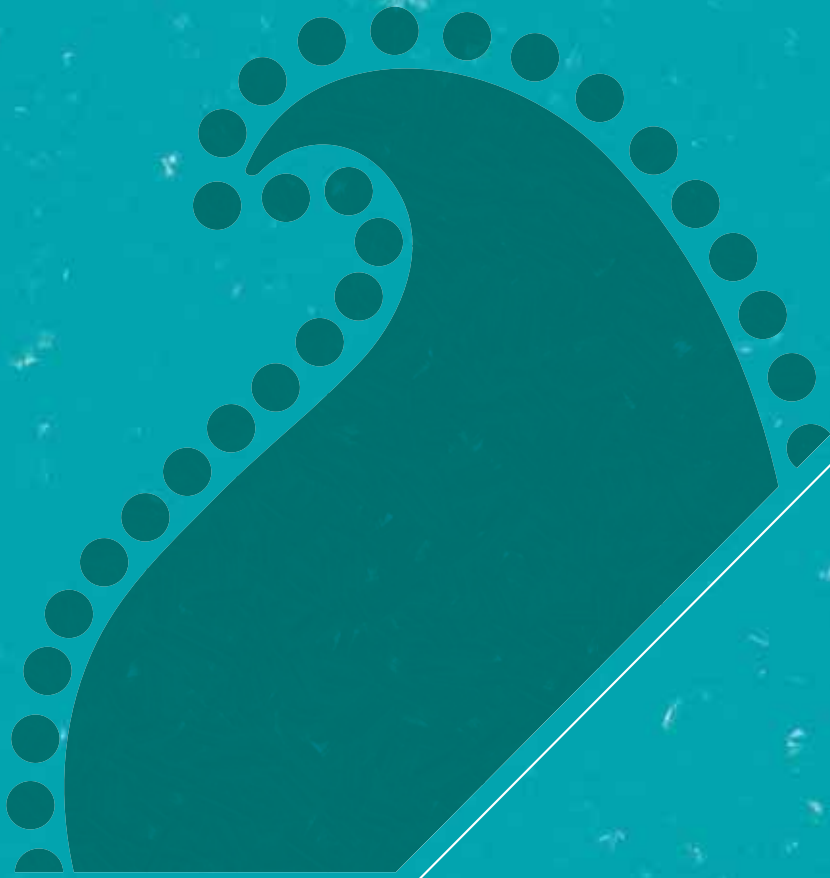
خاتم‌کاری؛ صنایع دستی که از چوب و استخوان و برنج خلق می‌شود

هنرمندان صنایع دستی از چوب و مفتول برنجی و استخوان چنان هنری خلق کردند که پیچیده و جذاب و کاربردی است و خاتم‌کاری نام دارد. در فرهنگ فارسی عمید، در تعریف خاتم‌کاری آمده: «هنر ساختن و آراستن برخی از اشیاء به اشکال هندسی و طرح‌های گوناگون با قرار دادن قطعه‌های کوچک استخوان، فلز و چوب در کنار هم که بیشتر به شکل مثلث بریده می‌شود؛ خاتم‌بندی؛ خاتم‌سازی».

حالا در انواع فروشگاه‌های صنایع دستی که بگردید، ظروف، جعبه‌های جواهر، تنبک، میز و صندلی و آئینه و انواع محصولات را می‌بینید که از خاتم یا تلفیق خاتم و هنرهای دیگر ساخته شده‌اند و حتی در اینبه تاریخی هم ردپای این هنر وجود دارد و برای مثال می‌توانید سقف ایوان عالی قاپو و درب مدرسه چهارباغ و اتاق خاتم‌کاری کاخ مرمر را ببینید و از اعجاب خاتم‌کاری در این بناها لذت ببرید. خاتم‌بندی (مصالح پیچی)، قامه‌فشاری و خاتم‌چسبانی سه مرحله اصلی خلق محصولات خاتم‌کاری است. گفته شده که در قدیم چوب‌ها را با رنگ‌های کاملاً طبیعی انتخاب می‌کردند به عنوان مثال برای رنگ زرد از چوب درخت نارنج و یا شمشاد، رنگ قهوه‌ای چوب فوفل و برای رنگ قرمز از عناب استفاده می‌کرده‌اند. دورنگ آخر به همراه چوب با رنگ مشککی که به آن آبنوس می‌گویند و سیاه‌رنگ است از هندوستان تهیه می‌شده است اما امروزه از رنگ‌های شیمیایی استفاده می‌شود و چوب‌های درختان چنار و گردو و افرا با روش‌های مخصوص رنگ می‌شوند. چوب‌ها در ورق‌های هندسی به شکل مثلث و بالوزی برش می‌خورند که ضخامت آن‌ها حداقل یک میلی‌متر و نهایتاً چهار میلی‌متر است. هنرمند خاتم‌کار با کنار هم قرار دادن این چوب‌های مثلثی اشکال هندسی را به وجود می‌آورد و مرتب شش ضلعی‌ها و لوزی‌هایی می‌سازد و طرح منظم خود را گسترش می‌دهد و نهایتاً این چوب‌ها را با چسب به هم می‌چسباند و با طنابی می‌بندد تا چسب خشک شود به این دسته از چوب‌ها لوز می‌گویند. مرحله بعد قرار دادن چند لوز در دستگاه پرس است تا تمامی منافذی که بین چوب‌ها قرار دارد از بین برود و طرح کامل به دست آید. خروجی دستگاه پرس قامه یا شمش نامیده می‌شود و آن‌ها را با ماشین اره به ورق‌های نازک به قطر یک میلی‌متر برش می‌زنند و این لایه‌های باریک را روی چوب بسیار نازکی می‌چسبانند و نهایتاً این ورق‌ها به روی وسیله‌ای که برای خاتم‌کاری طراحی شده چسبانده می‌شوند و نهایتاً برای صاف و یکدست شدن سطح خاتم آن را سمباده کشی می‌کنند و روی آن روکش پلی‌استر قرار می‌گیرد تا براق شود.



ویژه‌نامه روز جهانی
صنایع دستی
10th June World
Handicrafts Day



جان کلام هنرمندان
صنایع دستی اصفهان

۲



هنرمند صنایع دستی، درخت تاک است

جان کلام علی ظریفی اصفهانی، هنرمند رشته قلمزنی



من در کوچه پشت مسجد جامع اصفهان به دنیا آمدم. از سن چهار سالگی وارد حرفه قلمزنی شدم که آن موقع جنگ دوم جهانی بود. وقتی هفت ساله شدم کار قلمزنی و کلاکار هنر تعطیل شد. چون متفقین از ایران رفتند و دیگر کسی کار نمی خرید. من در این مدت در چند مغازه قلمزنی کار کردم تا اینکه ۱۰ ساله شدم و دیگر برای خودم کار کردم. از چهار تا هفت سالگی نزد «استاد محمدتقی پشوتن» که در کار قلمزنی مشهور بودند، کار کردم. البته هیچ کدام از اعضای خانواده من قلمزن نبودند اما قلمزنی را دوست داشتند. آن زمان ها بهترین شغلی که در شهر بود، زغال فروشی بود چون نفت و گاز نبود و همه فقط با زغال کار می کردند؛ پدر من هم زغال فروش بود. مادرم سواد نداشت اما هم قرآن می خواند و هم قرآن را به دیگران درس می داد درحالی که مادرم سواد نداشت و این موضوع جزو آن موضوع هایی در دنیا است که صحبت درباره آنها خیلی سخت است؛ هنر هم همینطور است، حرف زدن درباره هنر هم سخت است. هنر، یادگیری نیست و نمی توانی دانشگاه بروی و هنر را یاد بگیری، هنر باید در وجودت باشد تا بتوانی آفرینش داشته باشی. هنر با صنایع دستی فرق می کند و کسی که صنایع دستی کار می کند حتماً هنرمند نیست چون هر فردی که در هر رشته صنایع دستی کار می کند می تواند کاری مثل فرد دیگر یا مثل روز قبلش انجام دهد و آفرینش نداشته باشد اما اگر در صنایع دستی آفرینش وجود داشته باشد هنر است. بنابراین هنر یعنی آفرینش و هنرمند کسی است که چیزی را بیافریند که وجود نداشته است و کسی نتواند جایی مانند آن را ببیند. هنرمند مثل میوه می ماند چون میوه تا روی درخت رسید، می افتد اما هنرمند وقتی افتاد، می رسد. وقتی هنرمند آفرینشی انجام می دهد به او خیلی سخت می گذرد چون تا وقتی که زنده است زبان هنرمند را نمی فهمند. هنرمند از جامعه خودش جلو است و وقتی مُرد و سال ها گذشت بعد درباره او صحبت می کنند و تازه می فهمند این هنرمند چه کسی بوده و چه کارهایی انجام داده است و بعد برایش بزرگداشت و سالگرد می گیرند؛ من تقریباً جزو هنرمندان هستم و همیشه در کارهایم آفرینش داشته ام. هرکاری را فقط یکبار انجام دادم و دفعه بعد آن را تکرار نکردم و هیچ وقت هم کار دستوری انجام ندادم و همیشه برای خودم کار کردم. درخت تاک مصداق یک هنرمند است و پُربارترین و افتاده ترین درخت ها است و من اکثراً تاک کار می کنم. کنار کارگاه من در پشت موزه خط هم درخت تاکی روی زمین افتاده است و بعضی ها پاهایشان را روی شاخه هایش می گذارند و خردش می کنند و بعضی ها با آن داربست درست می کنند. من چهار پسر و دو دختر دارم که خیلی دوستشان دارم و بچه های خیلی خوبی هستند. یکی از دخترانم نقاشی آبرنگ کار می کند ولی قلمزنی انجام نمی دهد یعنی من به آنها اجازه ندادم این کار را انجام دهند. من از مسئولانی که قانونی را به مجلس بردند و تصویب کردند که هنرمندان از ۶۰ سال به بالا نباید بیمه شوند هیچ انتظاری ندارم؛ پس چطور از فرزندانم بخواهم به راهی بروند که من رفته ام؟! من همیشه وقتی به مسجد جامع می روم آنجا می نشینم و قرآن می خوانم یعنی شکل دیگری جز با کلام خدا نمی توانم با مسجد جامع حرف بزنم. مسجد جامع استاد و دوست من است. / متن، گزیده و بازنویسی از گفت و گوی منتشر شده در ایمناست.



صنایع دستی، تبلیغات می خواهد

جان کلام مرتضی جعفری، هنرمند رشته قلمکاری



من در سن ۱۳ سالگی وارد رشته قلمکار شدم و ۱۰ سال نزد استادکاران قلمکار هنر آموختم و سپس در خورزوق اصفهان کارگاهی را دایر کرده‌ام. به نظر من، قلمکار خیلی کاربرد دارد. ما سفره نمی‌سازیم اما اسمش را سفره قلمکار گذاشته‌اند! ما قلمکار را برای پرده، میل، زیر سفره و همه چیز تولید می‌کنیم و من هر نمایشگاهی می‌روم لباس قلمکار می‌پوشم. علاوه بر سفره و رومیزی، هر چیزی که فکرش را بکنید و هر کاربردی که هر پارچه‌ای در زندگی ما دارد، قلمکار هم می‌تواند داشته باشد. مردم فقط چهار رنگ اصلی قلمکار را می‌شناسند؛ چون تبلیغات نمی‌شود. درحالی‌که ما هر رنگی که خواهیم و هر رنگی که فکرش را بکنید از این چهار رنگ قرمز و آبی و زرد و مشکی به دست می‌آوریم. خیلی‌ها فکر می‌کنند قلمکار، چاپ است؛ درحالی‌که ما قلمکار را به همان سبک زمان صفویه کار می‌کنیم و هیچ ماشینی در آن استفاده نمی‌شود. خودمان قالب می‌سازیم. ریشه‌بندی پارچه‌ها هم با دست است که خانم‌ها در خانه انجام می‌دهند. رنگ‌ها در قلمکار طبیعی است؛ انواع و اقسام رنگ‌ها را در قلمکار به کار می‌بریم. درزمینه قلمکار خیلی فعالیت شده ولی به تبلیغات نیاز دارد. دنیا به دنبال چیزهای طبیعی می‌گردد، پارچه و رنگ ما هم طبیعی است، مردم به ما سفارش می‌دهند و ما روی سبک لباس آن‌ها برایشان کار می‌کنیم. هم پارچه می‌آورند و هم بر اساس مدل لباس آن‌ها قلمکار کار می‌کنیم اما موضوع این است که مردم خیلی کم کاربردهای دیگر قلمکار را دیده‌اند. من یک بار به مسکو رفتم و تعدادی لباس قلمکار درست کردم و بردم و همان روز اول تا ساکم را باز کردم همه را خریدند. طراح لباس باید به من سفارش دهد تا من روی آن قلمکار کار کنم. لباس مردانه و زنانه، از پیراهن تا لباس خانه، همه را می‌شود با قلمکار درست کرد؛ فقط تبلیغات لازم دارد. ما به توریست و مسافر و صادرات و تبلیغات نیاز داریم. / متن، گزیده و بازنویسی از گفت‌وگوی منتشرشده در اصفهان زیباست.





ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day



تقسیم‌کار بین کارگاه‌ها و صنعتی شدن به نفع صنایع دسته بوده است

جان کلام صالح قنبری، هنرمند رشته خاتم‌کاری

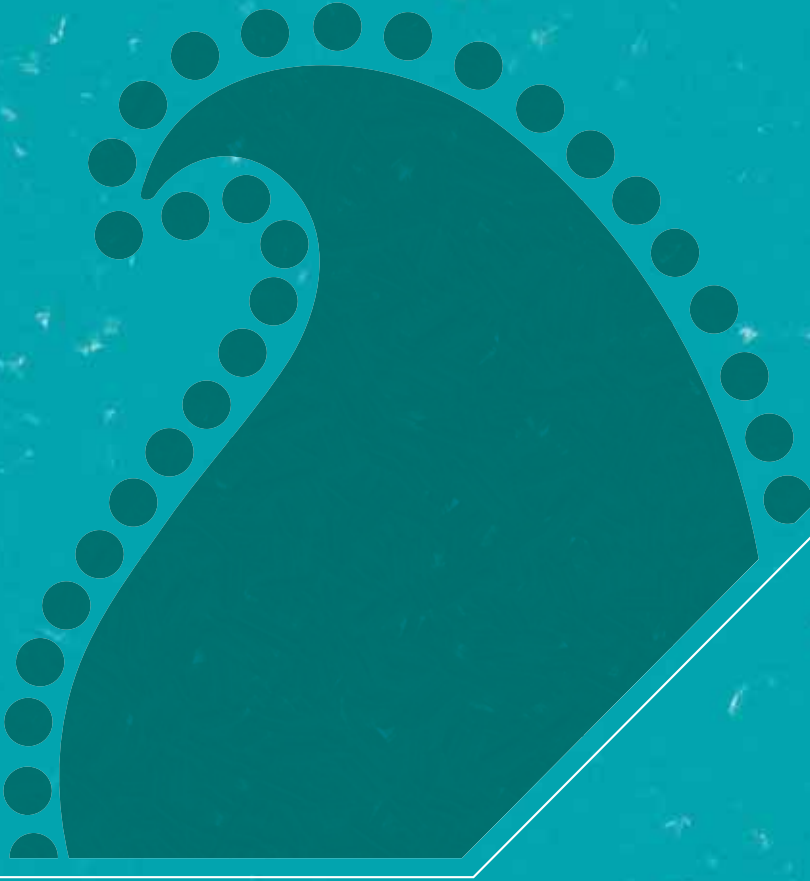


هفدهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ در یکی از روستاهای شهرکرد به نام «شیخ شبان» متولد شدم. تقریباً هشت ساله بودم که با خانواده به اصفهان آمدم. سرای تحدید ساختمانی قدیمی، دوطبقه و با حجره‌های متعدد بود که به هنرمندان تعلق داشت و کارگاه‌های صنایع دستی در هر حجره دایر بود. پدر من با یکی از صاحبان حجره در سرای تحدید یعنی آقای مهدی ناطق پور آشنا شد که خاتم‌کار بود. من را پیش او بُرد و شاگرد آقای ناطق پور و بعدها دامادش شدم. چون تمام کارهای صنایع دستی از جمله خاتم با دست انجام می‌شد و استاد به شاگرد و شاگرد هم به مزد و یادگرفتن یک کار نیاز داشت. هم بچه‌ها خیلی سختی می‌کشیدند و هم استاد که باید کار را به شاگرد یاد می‌داد تا شاگردان برای کارگاه تولید مصالح کنند و تولید مصالح به خلق اثری منجر و و فروخته شود. همه شاگردها یک کار را انجام نمی‌دادند مثلاً در کار خاتم، یکی می‌برید، یکی می‌سایید، یکی می‌پیچید، یکی می‌چسباند و به همین ترتیب ادامه داشت و بچه‌ها از روی دست هم نگاه می‌کردند. یکی از مصالحی که در خاتم استفاده می‌شود استخوان شتر است. در گذشته یک شاگرد باید مدت زیادی آموزش می‌دید و سختی می‌کشید تا یاد بگیرد ورق از این استخوان بُرد. کارگر دیگر این ورق‌های استخوان را بااره‌های دستی رشته رشته می‌کرد و یک کارگر آن را می‌سایید. الان این کار تماماً با ماشین انجام می‌شود، قبلاً از دست و پای شتر استفاده می‌شد الان از دنده شتر استفاده می‌شود؛ ویژگی دنده شتر این است که وقتی می‌جوشد نرم می‌شود و بعد با ماشین رشته رشته و آماده می‌شود. حالا همه مصالح استخوانی، چوبی و فلزی به صورت ماشینی تولید می‌شوند. ضمن اینکه در گذشته یک کارگاه علاوه بر تولید مصالح، اثر را هم تولید می‌کرد و به فروش می‌رساند اما حالا عده‌ای فقط کارشان تولید مصالح فلزی است، یک عده مصالح چوبی و گروهی نیز مصالح استخوان تولید می‌کنند؛ ضمن اینکه دیگر تولید مصالح نیز همه در یک کارگاه انجام نمی‌شود. در مجموع کار خاتم تقسیم شده و این خیلی خوب است. در اصفهان اوج هنر خاتم را ضریح و درهای امامزاده اسماعیل در خیابان هاتف و در مسجد سید می‌توانید ببینید. اساس خاتم، هندسه است. من کار تجاری انجام نمی‌دهم و چون کار هنری و به سبک صفویه کار می‌کنم مصالح را می‌خرم و تمام مراحل تولید اثر را خودم انجام می‌دهم. مصالح من منحصر به فرد است و اینها که در بازار است به کار من نمی‌آید چون تماماً هندسه متساوی‌الاضلاع دارند یعنی بر قاعده عدد شش هستند، اما طرح‌هایی هم وجود دارد که متساوی‌الساقین هستند که مصالحش در بازار وجود ندارد و خودم تولید می‌کنم و این هم تفاوت کار من با بقیه است. برخی از آثار شاخصی که تا به حال انجام داده‌ام، عبارتند از: خاتم کاری درهای حرم امام حسین (ع) در کربلا، ساخت خاتم سقف داخلی ضریح کاظمین در عراق، خاتم کاری در حرم حضرت ابوالفضل (ع)، دوجفت در خاتم ضریح حضرت معصومه (س) در قم، دوجفت در خاتم حرم حضرت رقیه (س) در سوریه، کار خاتم در گره چینی شده بقعه شاه رضا در قمشه، ساخت سه دوره تندیس جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، کار خاتم ۲۰ جف در گره چینی شده حسینیه‌ای در گراش فارس، جعبه‌ای تمام خاتم مخصوص قرارگرفتن شمشیر حضرت امام جعفر صادق (ع) در موزه آستان قدس رضوی، خاتم کاری چندین منبر در داخل و خارج کشور، خاتم کاری درهای گره چینی مسجد جامع زاهدان، خاتم کاری درهای گره چینی حسینیه مجلسی در خیابان هاتف، حسینیه حسن خاکی و حسینیه ارشاد خیابان ابن سینا در اصفهان و خاتم کاری درهای گره چینی بیت الحسن تهران. / متن، گزیده و بازنویسی از گفت‌وگوی منتشرشده در ایمناست.



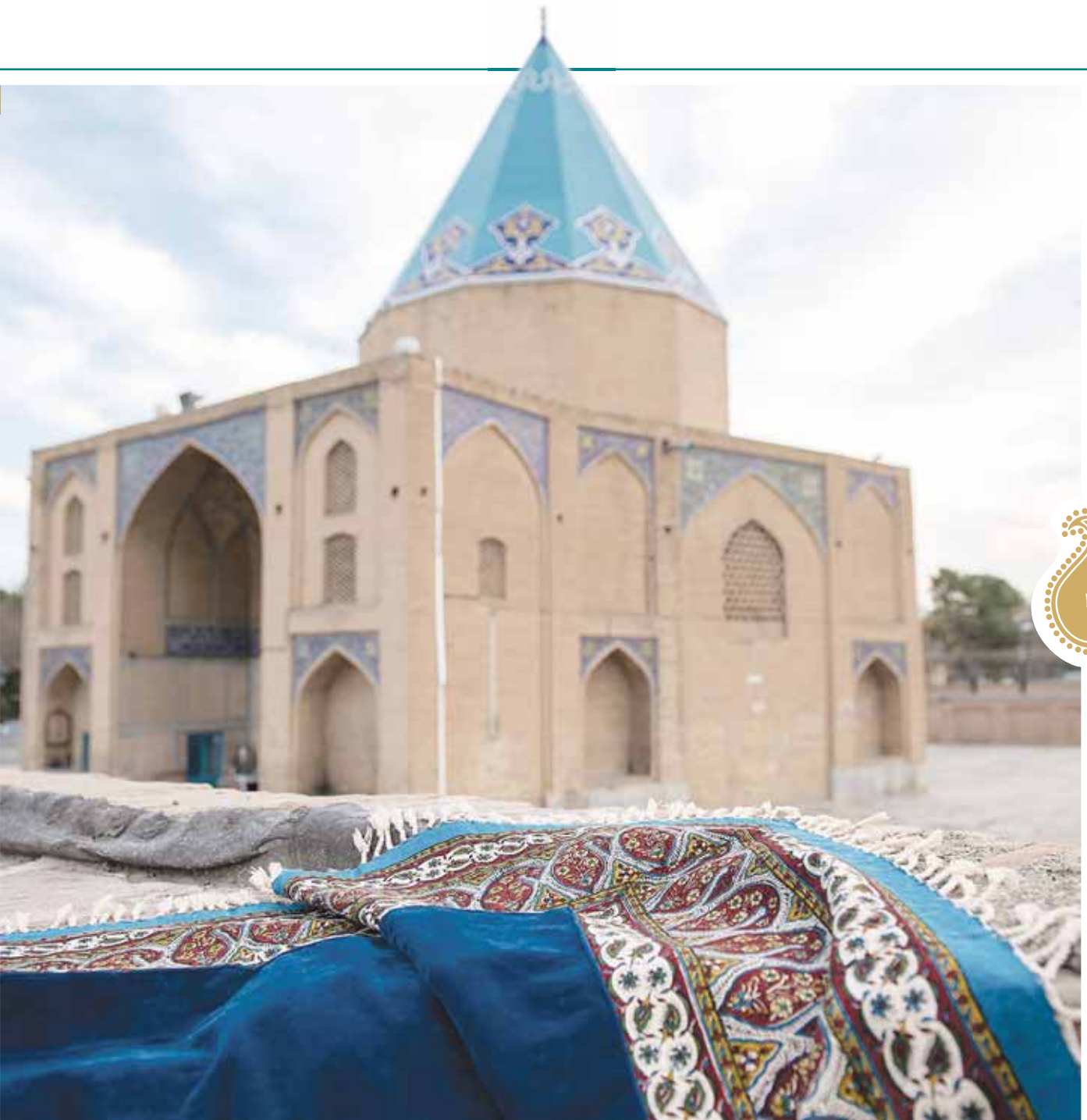
ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day





نگاه نو به
صنایع دستی اصفهان

۳



ساختار شکنی به روش صنایع دسته

معرفی مفهوم صنایع خلق ترکیبی

من همیشه در کارگاه های قلمکار از استادکارها سراغ کارهای غیربازاری را می گرفتم. بعدترها چشمم می گشت در پستوهایشان دنبال نمونه کاری که شاید هیچ کس نپسندیده کاری که شاید به نظرشان خراب شده بود. لکه های نافرمان رنگ که در پارچه دویده بود من را جذب خودشان می کردند. نظم تکراری قلمکارهای همیشگی خسته ام کرده بود... روی قلمکارها نقاشی می کردم و با نقش های قدیمی شکل های تازه می ساختم. رنگرزی را آزمودم از روش های سنتی خودمان تاگره های اندونزیایی. انواع چاپ های دستی را امتحان کردم از باتیک و کلاغه ای تا لینو و سیلک... قلمکارها را با قیچی می چیدم و در لباس ها کنار پارچه های دیگر می گذاشتم و با پارچه ها بازی می کردم در لباس های مخمل، قلمکار هم استفاده می کردم و این بازی ها من را به زیبایی مخمل قلمکار رساند.

از نگاه من صنایع دستی، هنری است که به واسطه صنعت بودنش تکرار پذیراست برای گریز از دایره تکرار، ناگزیریم راهی برای نشدن طرح و ایده بیابیم و در این راه اولین چالش همان طرح و ایده تازه است که طبیعتاً از آسمان نمی آید. یکی از راه های شناخته شده برای نوآوری در همه رشته ها، جستجو در میان ایده های موجود و تلفیق و ترکیب آن هاست. لازمه موفقیت در تلفیق فارغ از جسارت، شناخت ذات و شخصیت و به نوعی زیر و بم آن هنرها، به منظور درک چگونگی هم نشینی آن هاست. این جاست که چالش دوم رخ می نمایاند: گاهی این تلفیق با چنان بی سلیقگی اتفاق می افتد که مخاطب آن را پس می زند و گاه با چنان شناخت هنری و ذوقی انجام می شود که سبب رشد و شکوفایی هنر-صنعت پایه آن نیز می گردد. زیرا لازمه هر حرکت ساختار شکن موفق، شناخت کامل از ساختار است. چون در طول زمان، پختگی لازم در اثر شناخت به دست آمده و به عبارتی همه راه های ممکن آزموده شده و اکنون زمان ساختن راهی تازه است. راهی که نه با خراب کردن پله های گذشته و نادیده گرفتن آن ها که بر روی شالوده مستحکم روش گذشتگان و درس گرفتن از تجارب ارزشمند آن ها ساخته می شود.

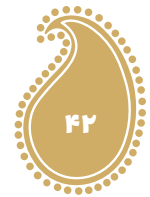


ویژه نامه روز جهانی
صنایع دسته
10th June World
Handicrafts Day

طلای زاینده رود

دست‌ساخته‌هایی که به زندگی و رنج‌های یک میراث طبیعی مهم ایران می‌پردازند

زاینده‌رود همیشه در آثار هنرمندان ظهور و بروز داشته است؛ چه بر کالبد بناهای تاریخی، چه بر تن بوم‌های نقاشی و پارچه‌ها و تار و پود فرش‌ها و چه بر آثاری از هنرهای تزئینی و زیورآلات. اما در مجموعه «طلای زاینده‌رود» هنرمند نگاه متفاوتی به وضعیت این میراث طبیعی ملی ایران داشته و مجموعه‌ای از زیورآلات را خلق کرده است. این مجموعه به صورت چهار نیم‌ست طراحی شده و هر کدام از زاویه‌ای متفاوت به موضوع زاینده‌رود و خشکی آن پرداخته‌اند؛ دواثر از نگاه سی و سه پل هستند، در یکی خشکی رودخانه را می‌بینیم و در دیگری موضوع جدی فرونشست و تخریب تدریجی پل را. یک اثر، پل خواجه‌را در زمان جاری بودن تا خشکی کامل رودخانه معرفی می‌کند و اثر دیگر با نام «امید» به آبادانی اشاره دارد و نمایانگر قدرت طبیعت است و جاری شدن مجدد آب در بستر خشک رودخانه و در برگرفتن پلها را روایت می‌کند. نقطه شروع ایده را می‌توان دغدغه هنرمند برای انعکاس زخمی دانست که بر کالبد زیبا و منحصر به فرد اصفهان حادث شده است. زخمی که بر ساحت زاینده‌رود، شاه‌رگ حیاتی کهن شهر اصفهان می‌بینیمش و می‌بایست در آثار هنرمندان بروز یابد، مکرر روایت شود و چاره‌اندیشی برایش به مطالبه عمومی تبدیل گردد. از این رهگذر مجموعه طلای زاینده‌رود، با تلفیق هنرهای میناکاری، طلاکاری و سنگ‌تراشی (سنگ فیروزه) توجه مخاطبان را به میراث طبیعی ملی مهم ایران، زاینده‌رود، جلب می‌کند. قدم اول در تولید مجموعه «طلای زاینده‌رود»، طرح موضوع و ایده‌پردازی بوده است. هنرمند ایده نهایی را در کارگاه طلاسازی زرتاج اصفهان به مرحله اجرایی درآورده و انگشترها، گردن‌آویزها و گوشواره‌های جذابی را خلق کرده است.



ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day





دانش بنیان‌های
صنایع دستی اصفهان

۴

صنایع دستی متکے بر مواد اولیه داخلے

معرفی شرکت دانش بنیان اسطوره نگاران پارسی

شرکت اسطوره نگاران پارسی به مدیریت محمد رضوانی در زمینه تولید صنایع دستی سرامیک در سال ۱۳۹۶ در مرکز رشد تخصصی هنر (مرکز رشد دانشگاه هنر اصفهان و شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان) فعالیت خود را آغاز کرد. محصولات این شرکت شامل تولید ظروف غذاخوری سرامیک، گلدان های تزئینی، آباژور، قطعات لوستر، چراغ سنتی، طراحی و ساخت کاشی های سنتی است. این شرکت از آغاز سعی داشته محصولات نوآورانه، با کیفیت و کاربردی تولید کند؛ به همین جهت با داشتن تیم تخصصی و استفاده از مواد اولیه درجه یک، در راستای تحقق تولیدات دانش بنیان گام مؤثری برداشته است تا به آنجا که در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۲۹ کارگروه برنامه توسعه زیست بوم شرکت های خلاق معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، این شرکت را به عنوان شرکت خلاق تأیید کرد. اسطوره نگاران پارسی با تولید محصولات متنوع صنایع دستی سرامیک با اتکا به مواد اولیه داخلی تلاش می کند تا با توسعه اقتصادی و صادرات محصولات به سایر نقاط دنیا، به نقش آفرینی مؤثر در حوزه صنایع دستی بپردازد.



ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day



گردشگری تجربه محور با صنایع دسته

معرفی شرکت دانش بنیان نگاره گردان شهر فیروزه ای

شرکت نگاره گردان شهر فیروزه ای مستقر در پارک علم و فناوری شیخ بهایی، توسط آزاده آهنگریان، الهام آبادیان و فاطمه زنگنه بنیان گذاشته شد و فعالیت هایش را از سال ۱۳۹۲ در زمینه تقویت و توسعه تسهیلات گردشگری با رویکردهای نوین آغاز کرد. سپس، نامش به عنوان نخستین شرکتی مطرح شد که موفق به اخذ همزمان مجوز شرکت دانش بنیان و شرکت خلاق از سوی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری شده است. علاوه بر دستاوردهای مالی و تلاش در جهت ارزآوری در بخش گردشگری، از جمله سوابق این شرکت می توان موارد زیر را برشمرد: راه اندازی و اجرای پروژه اقیانوس با هدف ارائه صنایع دستی تجربه محور در شهر اصفهان از سال ۱۳۹۲، تهیه طرح گردشگری پارک موضوعی پرندگان در ورودی شرق اصفهان به سفارش شهرداری اصفهان در سال ۱۳۹۴، تهیه و اجرای اپلیکیشن راهنمای باغ موزه چهلستون با استفاده از فناوری واقعیت افزوده در سال ۱۳۹۴، تهیه و اجرای اپلیکیشن واقعیت افزوده شهدای فناور شهر اصفهان در سال ۱۳۹۶، نوین شهرداری اصفهان در سال ۱۳۹۶، تهیه و اجرای اپلیکیشن واقعیت افزوده شهدای فناور شهر اصفهان در سال ۱۳۹۶، طراحی و ساخت دوربین های واقعیت افزوده شهری جهت نصب در میادین و مکان های عمومی، طراحی اپلیکیشن واقعیت مجازی جهت استفاده در صنعت ساختمان، پلتفرم بازی سازی Sipot جهت ایجاد بازی های مبتنی بر مکان مورد استفاده در مناطق گردشگری و سایت های طبیعی و تاریخی. از نگاره گردان شهر فیروزه ای به عنوان نخستین شرکت دانش بنیان هنری هم یاد می شود و مقاوم سوم جشنواره شیخ بهایی در سال ۱۳۹۴ و مقام های متعدد جشنواره های گردشگری از سال ۱۳۹۴ از جمله مقام نخست ماراتون گردشگری اصفهان به این شرکت تعلق گرفته است و در سال ۱۳۹۹ مجوز واحد فناور را نیز از آن خود کرده است.



ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day



صادرات خدمات و مستند نگاری صنایع دسته

معرفی شرکت دانش بنیان ارگ اندیشه

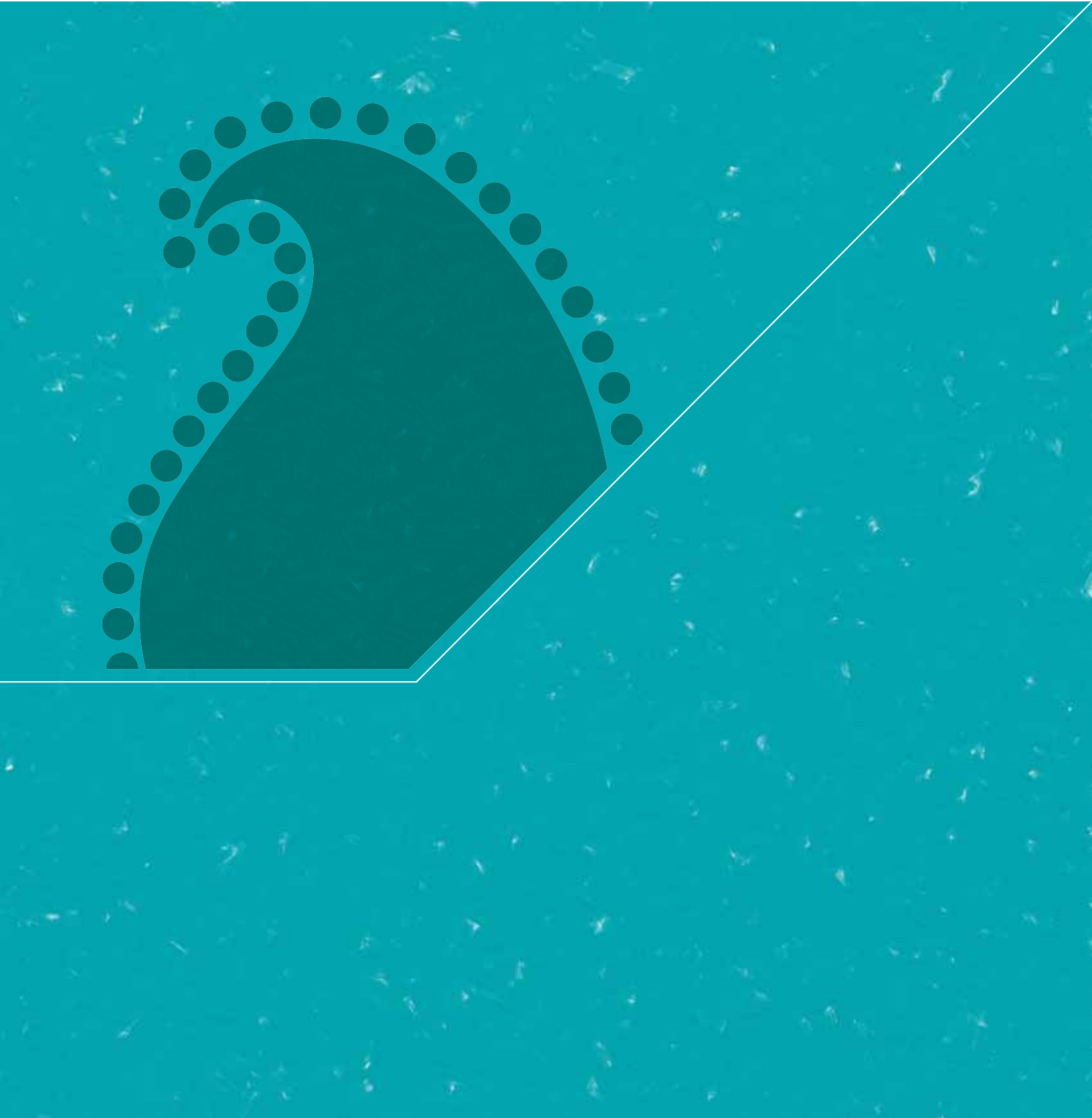
صنایع دستی ایران خلاق و کاربردی هستند و ریشه در فرهنگ غنی و سبک زندگی ایرانی دارند. در صنایع دستی، طراحی مهمترین رکن است و به این دلیل شرکت مهندسی ارگ اندیشه با مدیریت سید مسعود موسوی زاده و پشتوانه دو قرن تجربه خانوادگی در هنر و معماری ایرانی موضوع طراحی و مطالعات هنری و به کارگیری فناوری را در مستندسازی، بازتولید و صادرات خدمات هنری ایرانی دنبال می‌کند. این شرکت از دانش متخصصین طراحی و معماری و پژوهشگران فرهنگ و هنر بین‌المللی بهره‌مند است و با استفاده از امکانات فن‌آورانه در ایجاد فضای شناخت متقابل بین‌المللی در فضای مجازی فعالیت می‌کند. همچنین این شرکت در جهت جذب پروژه‌های تخصصی فعال است و از طریق ایجاد ارتباط با مراکز مطالعاتی و تشکل‌های علمی و هنری و صنفی بین‌المللی تلاش می‌کند که به اهداف خود برسد؛ اهدافی در راستای توسعه و به‌روزرسانی محصولات فرهنگی و هنری ایرانی. پروژه مستندنگاری نقوش آثار صنایع دستی و تزیینات معماری ایرانی که طی آن، مجموعه مطالعات تخصصی و تهیه آرشیو تصویری و ترسیمی از نقوش صنایع دستی و تزیینات معماری انجام شد و بانک اطلاعاتی دیجیتال مرجع به دست آمد، از جمله فعالیت‌های مهم این شرکت است. این پروژه از بیست سال قبل با بودجه شخصی در حال انجام است. عنوان پروژه بعدی، صادرات خدمات هنرهای سنتی بود. تقاضای وسیع در بازارهای هدف در مورد رشته‌هایی از جمله کاشیکاری، آئینه بری و غیره جایگاه هنرهای وابسته به معماری را نزد کارفرمایان و معماران مجلل‌ترین بناهای جهان به نام ایران زده است. اجرای پروژه‌های متعدد توسط این شرکت در کینهاگ دانمارک، آمستردام هلند، کویت، اندونزی و حدود بیست کشور دیگر و مشاوره طراحی نقوش و اجرای گنبدها و مقرنس‌های مسجد سلطان قابوس در کشور عمان حاصل فعالیت در صادرات خدمات هنرهای سنتی است. از نمونه همکاری‌های تخصصی بین‌المللی این شرکت امضاء تفاهم‌نامه همکاری صنایع دستی با مرکز مدیریت برند پکن، امضاء تفاهم‌نامه با اتحادیه صنایع دستی اندونزی و برگزاری ورکشاپ‌های هنری بین‌المللی در دانشگاه هنرهای کاربردی ژنو سوییس و آکادمی سلطنتی هنر لاهه بوده است. همچنین برگزاری نمایشگاه‌های هنری با همکاری سفارت سوییس، آلمان و هلند در اصفهان و مشارکت در نمایشگاه‌های تخصصی بین‌المللی و همکاری با شرکت‌های چاپگر سه بعدی در هلند جهت اجرای فرم‌های سه بعدی معماری ایرانی از جمله فعالیت‌های قابل توجه این شرکت بوده است.





ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day





روایت صنایع دستی اصفهان
در یک نگاه





روستاهای هدف صنایع دستی در استان اصفهان

- ▲ در محور شمال استان: نخلج در شهرستان کاشان برای گیوه بافی
- ▼ در محور جنوب استان: خفر در شهرستان برای بافت‌های داری و نمد، مهرگرد در شهرستان سمیرم برای بافته‌های داری
- ◀ در محور غرب استان: ویست در شهرستان خوانسار برای سبدافی و فرش
- ▶ در محور شرق استان: زفره در شهرستان برای قلمزنی، شهرستان ورزنه در رشته سفره بافی سنتی

مبنای انتخاب روستای هدف صنایع دستی:

- شناسایی پتانسیل و نیروی جوان
- رشته‌های بومی



رشته‌های صنایع دستی

دو سوم صنایع دستی کشور
و یک سوم صنایع دستی دنیا در اصفهان

تعداد رشته‌های صنایع دستی استان اصفهان **۱۹۹**

تعداد رشته‌های صنایع دستی کشور **۲۹۹**

تعداد رشته‌های صنایع دستی جهان **۶۰۰**



هنرمندان صنایع دستی

تعداد کارگاه‌های فعال صنایع دستی **۴۶۰۰**

تخمین تعداد هنرمندان فعال در صنایع دستی استان اصفهان **۶۰۰۰۰**

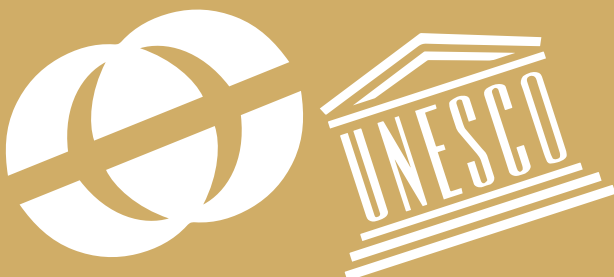
مجوزهای صادرشده در صنایع دستی

مجوزهای میراث فرهنگی برای صنایع دستی در سه زمینه پروانه تولید انفرادی، پروانه تولید کارگاهی، مجوزهای مشاغل خانگی مستقل و پشتیبان و کارت شناسایی صنایع دستی صادر می‌شود.

ارگان‌های مرتبط با صنایع دستی در اصفهان

- معاونت صنایع دستی و هنرهای سنتی استان اصفهان
- اتحادیه صنف صنایع دستی اصفهان
- اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان اصفهان
- اتاق بازرگانی، صنایع و معادن استان اصفهان
- اداره کل زندانهای استان اصفهان
- سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای استان اصفهان
- اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان
- شهرداری اصفهان
- اداره کل بیمه تامین اجتماعی استان اصفهان





عناوین جهانی اصفهان در زمینه صنایع دستی

چهاردهم شهریور ماه ۹۴، سازمان جهانی صنایع دستی (World Crafts Council) از میان ۶ شهر جهان که نامزد دریافت عنوان شهر جهانی صنایع دستی (World Crafts City) بودند، اصفهان را انتخاب نمود. گیوه بافی

بیست و یکم آذر ماه ۹۴ (۱۲ دسامبر ۲۰۱۵) سازمان علمی و تحقیقاتی ملل متحد (UNESCO)، نام اصفهان را به عنوان شهر خلاق حوزه صنایع دستی و هنرهای سنتی (Creative City of Crafts and Folk Art) در شبکه شهرهای خلاق یونسکو ثبت کرد.

شهر جهانی صنایع دستی

شهر خلاق صنایع دستی و هنرهای مردمی

نشان‌های کسب‌شده در حوزه صنایع دستی

دو سوم صنایع دستی کشور و یک سوم صنایع دستی دنیا در اصفهان

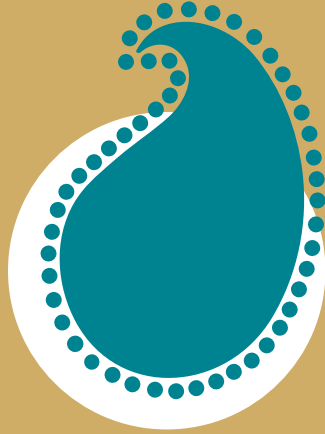


تعداد نشان‌های بین‌المللی مرغوبیت صنایع دستی ۱۱۵

تعداد نشان‌های ملی مرغوبیت صنایع دستی ۵۲۸

تعداد نشان‌های جغرافیایی بین‌المللی ۱

تعداد نشان‌های جغرافیایی ۷



اسامی شرکت‌های دانش‌بنیان فعال در زمینه صنایع دستی

- شرکت نگاره گردان شهر فیروزه ای
- شرکت رنگین جامه نگار
- رنگین تابش
- شرکت آراسته نمایان والا (چرم آنو)
- شرکت اسطوره نگاران پارس
- شرکت ارگ اندیشه پایا

اسامی پیشکسوتان صنایع دستی اصفهان

- رشته قلمزنی: علی ظریفی، اکبر صامتی، مهدی علمداری، محمد علی ساعی، محمد اسکندری
- خاتم کاری: صالح قنبری، علی کبیری، منوچهر خادم ملت، اصغر معمار، محمد ابراهیم گلریز خاتم
- قلمکار: علی زابلیان، مرتضی جعفری، علیرضا میرجمال، مرتضی زابلیان، علیرضا بطلانی
- میناکاری: علی فقیهی، مرتضی اسماعیلی، محمد علی فرشید، غلامعلی فیض الهی
- ملیله‌سازی: مهین قانعی، علی شیرانی
- گره چینی: محمد علی قضاوی، سعید علیزاده، علی خوشنویس
- گلیم: فاطمه نزه‌ای، فتحعلی قشقائی فر
- رودوزی‌های سنتی: نسرین کاردانی، مرضیه محمد نبی، زینت یزدخواستی، خانم صبوری نیا، محبوبه پورقدیری
- طلاکوبی: کریم امیدی
- کاشی‌سازی سنتی: استاد موسوی زاده (پدر)، کاشی‌سازی (ایلیا)، سعید آجری، حسین پنجه‌پور، سید علی حسینی
- سفالگری: اسماعیل شیران، مجید خلیلیان
- آئینه‌کاری: حسین مرآتیان، حبیب‌الله مانیان
- گچبری: رضا اعظمی، نوروز گرمی
- لایه چینی: منصور خادم خراسانی، منصور زیرک
- احجام فلزی سنتی: اکبر بزرگیان، علی داوری
- پاپیه ماشه: فتح‌الله عباسی
- فیروزه کوبی: سلیمان صدیق‌پور، اکبر بهرامی
- نقاشی روی سفال: حسین شاهی
- منبت - معرق: کمال مسانلی





صفحه‌ان زیبا

گروه رسانه‌های

isfahanziba.ir



شهرداری اصفهان



مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران



isfahanziba.ir

**ISFAHAN
ZIBA
MEDIA
GROUP**





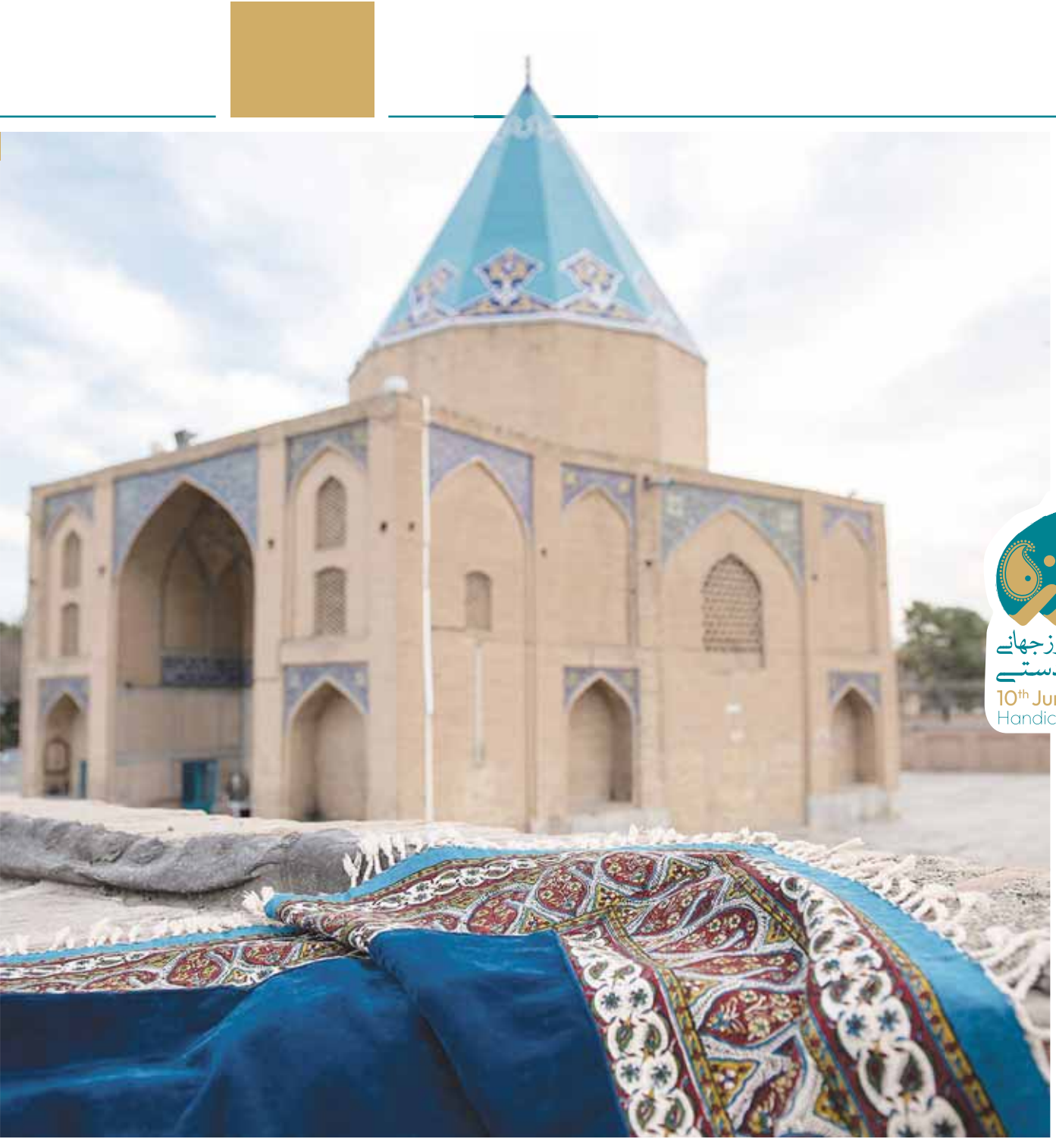
ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day



Zayandeh Roud Gold

Handmade Objects Addressing the Life and Pains of an Important Part of Iran's Natural Heritage

The Zayandeh Roud has always been present in the works of Iranian artists, whether on the body of historical monuments or on painting canvases and cloths and warps and wefts of carpets or on works of decorative arts and accessories. But in the collection entitled "Zayandeh Roud Gold," the artist has looked at the condition of this natural heritage site of Iran from a different perspective and created a collection of jewelry. The collection includes four half sets, each addressing the issue of Zayandeh Roud and its being dried up from a different viewpoint. Two of the sets have adopted the viewpoint of Si-o-Se-Pol, one depicting the Zayandeh Roud's drying up and the other addressing the serious issue of subsidence and the gradual destruction of the bridge. One other piece introduces Khajou Bridge while the river was still flowing up until it completely dried up, and another one entitled "Hope" refers to liveliness and prosperity, represents the power of nature and relates the renewed flow of water over the dry riverbed and its encircling the bridges. The starting point of the idea has been the artist's concern for reflecting the wound inflicted on the beautiful and unique body of Zayandeh Roud. The damage caused to the Zayandeh Roud, the vital artery of ancient Isfahan, should appear in the works of artists and be related repeatedly, and finding a solution for it should turn into a public demand. Therefore, the collection "Zayandeh Roud Gold" synthesizes the arts of enameling, gilding and stone carving (turquoise stone) to attract the audience's attention to this important part of Iran's natural heritage. The first step in the production of the collection has been representation of the subject and its ideation. The artist executed the final idea in "Zartaj" goldsmithing workshop in Isfahan and created fascinating rings, necklaces and earrings.



ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day

Deconstructing by Way of Handicrafts

Introducing the Concept of
Synthesis in Creative Crafts

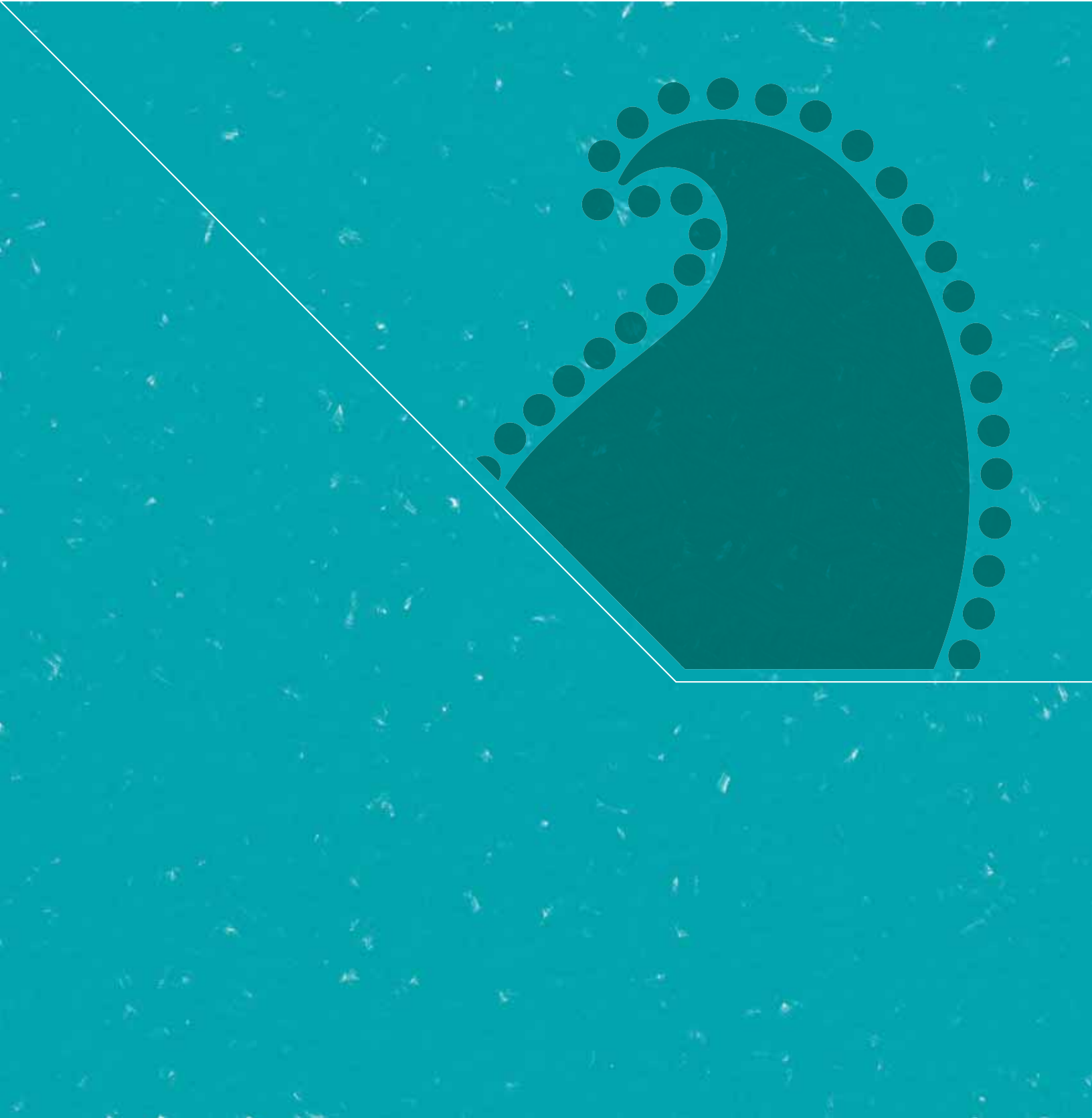
I always enquired of masters in qalamkar (printed calico) workshops about uncommercial works. Later, I looked for some work they thought was somehow ruined or that maybe was not chosen by anyone. Disobedient colour stains, which ran through the cloth, attracted me to themselves. The repetitious arrangement of usual qalamkar works had bored me. I painted on qalamkar cloths and created new designs out of old forms. I tested dyeing, from our own traditional methods to Indonesian knots. I tried different types of handstamps, from batik to linocut and screen... I cut qalamkar works using scissors and put the pieces beside other cloths in garments, thus playing with cloths. I used qalamkar cloths in velvet garments, and these plays led me to the beauty of "velvet- qalamkar."

In my opinion, handicraft is an art that, due to its industrial nature, is repeatable. In order to avoid the repetition, it is inevitable that we find a way to renew the ideas and patterns, and the first challenge we face is exactly this new idea and pattern that obviously doesn't grow on trees. One of the most known ways of achieving innovation in all disciplines is searching through current ideas and then synthesizing them. In order for a synthesis to become successful, apart from boldness, the nature and quality of those arts must be fully known to understand how they might sit together. There we face the second challenge: sometimes the synthesis is so tasteless that the audience instantly rejects it, and sometimes it is done with so much taste and artistic understanding that itself results in the flourishing of the base art or craft. After all, a prerequisite for any successful deconstructionist move is full understanding of the structure, since over time, the required maturity has been reached, and in other words, all possibilities have been exhausted, and now it's time to create new possibilities, although not by ruining or ignoring the methods of our predecessors, but by learning from their valuable experiences.

3

A New Look at
Isfahan Handicrafts







ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day



Industrialization and Division of Labour Between Workshops Benefited Handicrafts

Sal eh Qanbari, Khatam Artist

I was born on May 7, 1949 in Sheikh Shaban, a village near Shahrekord. I was almost eight when my family moved to Isfahan. My father met Mahdi Nateqpour, a store owner in Tahdid Caravanserai. Mr Nateqpour was a khatam (inlay) artist, and since our house was close to his store, my father took me to him, and I became his apprentice and later his son-in-law. Back then, the whole process of making handicrafts, including khatam, was done by hand, and masters needed apprentices, and apprentices also needed to learn a skill and make money. But it was really tough for both masters and apprentices. They worked very hard to produce materials and create handicrafts and sell them. Now, all metal, wooden and bony materials needed for khatam are produced using machines. In addition, in those days, producing materials, creating handicrafts and selling them were all done in one workshop. But now, a group of people produce metal materials, another group produces wooden materials and yet another one produces bony materials. So, even producing materials is not done just in one workshop. In brief, we've had the division of labour in the field of khatam and that's very good. The cornerstone of khatam is geometry. I don't produce commercial works. My works are artistic and created in the Safavid style. So, I buy the materials and do all other stages of creating the works by myself. My most prominent khatam works include performing khatam on the doors of Imam Hussain's Shrine in Karbala, the khatam box used for Imam Ja'far al-Sadiq's sword in the Astan Quds Razavi Museum and performing khatam on the gereh-chini doors of a hussainiya in Najaf.



ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day



Handicraft Needs to Be Advertised

Morteza Jafari, Qalamkar Artist

I began qalamkar (printed calico) at the age of 13 and learned the skill from prominent qalamkar masters for ten years and then set up a workshop in Khorzuq, Isfahan. In my opinion, qalamkar has a lot of applications. We don't make tablecloths, and it's a pity that people call our work qalamkar tablecloth! Qalamkar fabrics can be used for curtains, furniture and almost everything else, and I wear qalamkar clothes to every exhibition I attend. Many people think qalamkar is a type of printing while we produce it traditionally and just how it was done during the Safavid period, without any machines. We make the templates ourselves. Fabric fringing is also done by hand and women do that at home. We use various types of colours in qalamkar, and they are all natural. Much work has been done in the field of qalamkar, but it needs to be advertised. People all around the world look for natural things, and our colours and fabrics are natural. Sometimes people order us, and we produce works based on their taste and style. We need tourists and export and advertisements.





ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day



A Handicraft Artist Is a Vine

Ali Zarifi Isfahani, Engraving Artist

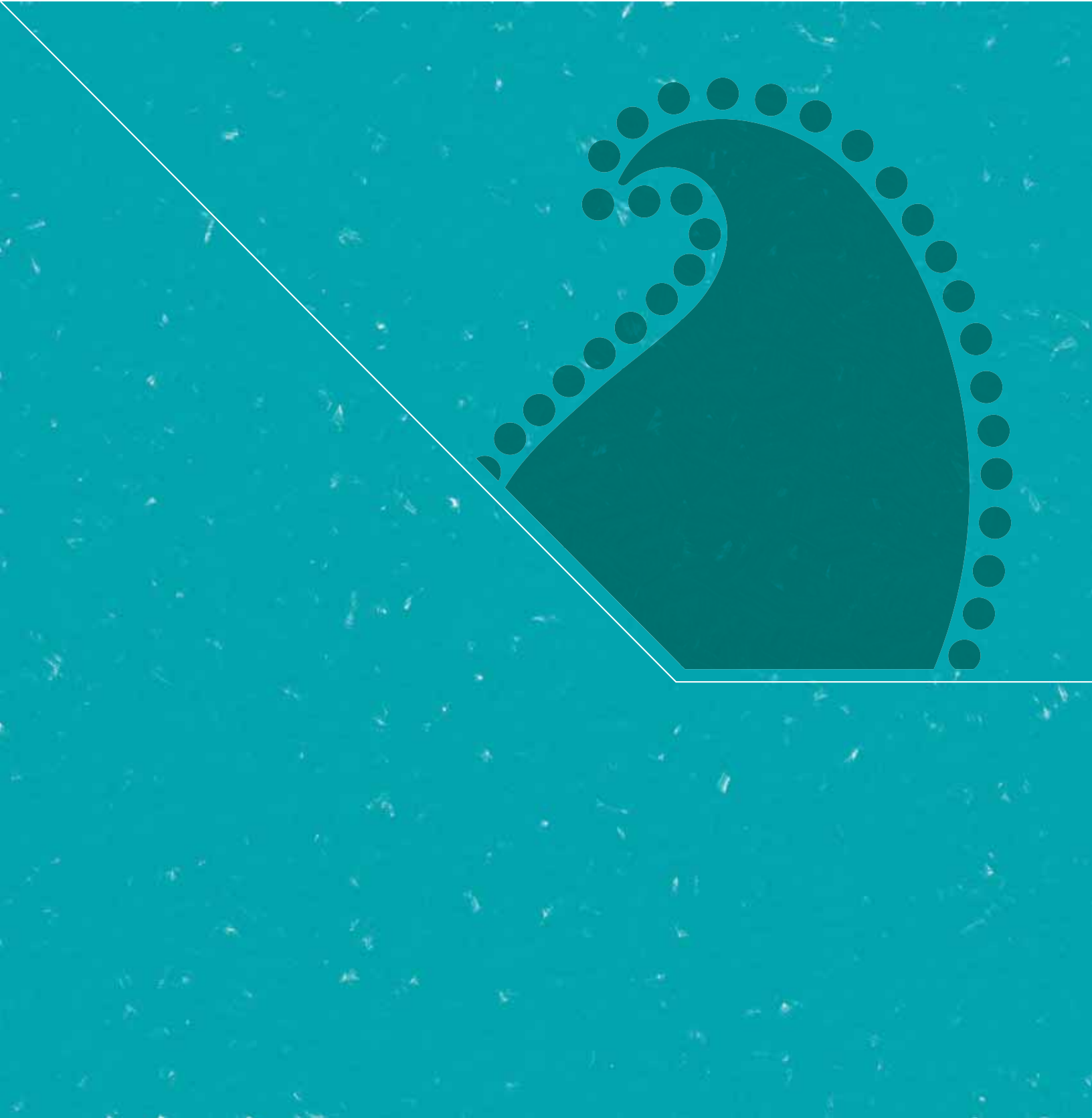
I was born in the alley behind the Great Mosque (Masjed-e Jameh) of Isfahan and began metal engraving at the age of four, and it was during the Second World War. When I turned seven, engraving and art in general came to a standstill because the Allies left Iran, and no one else bought our works. After that, I worked in several engraving stores until I turned ten and began working on my own. One who works in the field of handicrafts is not necessarily an artist because they can imitate other people's work or repeat what they've done before, without any creativity. If handicraft contains creation, it turns into art. Therefore, art means creation, and an artist is someone who creates something that didn't exist before and no one can find something like that elsewhere. An artist is like a fruit; when the fruit is ripe, it falls off the tree, and the artist ripens just when they fall down (become humble and modest). I consider myself an artist to some extent and have always incorporated creativity and creation into my works. I've done every work just once and haven't repeated them. I've never made work to order and always worked for myself. The vine represents the artist. It is the most fruitful and modest tree and I frequently include it in my works.



2

Words Of Isfahan
Handicraft Artists







ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day

Wood, Glue, Skill I

The craft khatamkari (inlay) had been prosperous in Sepahan during the Safavid period. After preparing wood pieces and bones in various colors, the inlayer cuts them in the form of a triangle or a diamond, with the thickness of one to four millimeters and then rasp them. The design is drawn and these triangles are put together, glued, and tightened with a thread. The result is called parre. After the glue is dried, the thread is unfastened and the wood pieces are placed next to each other and glued. In the next stage, golpichi, a hexagonal form called shamse is made by the metal wire, and six wires are sewn together around each side and tightened with a thread to get the star scheme. It is repeated until the final design obtained. Then it is placed under a press machine to be cut into thin sheets with a diameter of one millimeter. These thin layers are stuck on a thin wood piece and the original design is obtained. Later, the surface is covered with glue and the final shape is obtained by creating designs and through symmetry. Then comes the rasping and smoothing the surface. Lubrication and glazing are done using materials such as polyester.





endless mirrors

The decoration of the building with mirror was first performed in the city of Qazvin, the capital of Shah Tahmasb I, and in the wall of his house, completed in 1544. The most common designs were knot design, and framing was done in a variety of ways, especially in the decoration of the ceiling. About a hundred years ago, mirror along with stucco were used, and the use of colored glasses at a wider level, the creation of new designs such as flowers, bushes and Arabesque tracteries as well as the use of mirror-like convex glass are some characteristics of the period. Mirroring begins with the examining the surface supposed to be decorated. The designing is done by the architect or mirroring master and is applied to the paper. The pieces of the mirror are tailored to fit the paper, and cut down on the paper in the form of a puzzle. In sophisticated designs, the paper is put on the wall, and drawn on with a piece of coal, but such prominent masters as Hossein Mer'atian do not need to do this. They began to paste the mirror pieces from the corners of the frame with the paste that was blended of compo and glue. Even based on the master's skills, designing may also be done during the execution. After the gluing was finished, the surface is cleaned and polished. In the past, the mirror was made by the master. More skilled masters made more transparent mirrors with longer life spans. Mer'atian talks of his family's mirroring workshop called mercury-house and also his father's skill in mirroring, who has even installed convex mirrors for the Abbasi Hotel. Shahrzad's Restaurant and the tomb of Sahib Ibn Abad are among his works. When his father goes to Hajj, Hussein completes the mausoleum of Ibn Abad's tomb and also decorates the dome of Imam Zadeh, Abul Abbas Mohammad Khorasgan, with the mirrors. He also participates in the restoration of the house of A'lam, Jarchi Bashi Restaurant, House of Bekhradi and that of Shiran. Ali Mer'atian's father has mirrored the Golestan Palace and Shams al-Amara. The youngest master of this generation is Mehdi Mer'atian, who is engaged in the creation of paintings on the back of the mirror, and in addition to the traditional mirroring, creates new techniques with the scattered pieces of mirrors. When you touch a good work of mirroring, it feels seamless and uniform. On the other hand, when the symmetrical figures are created correctly and the corners and angles of the edge are clean and accurate, a good mirroring is achieved



Calico



A Forgotten Familiar!

What comes immediately to the mind after the phrase "Isfahan's Handicrafts" is uttered is calico (Ghalamkar cloth). But when you ask people what calico is, you may hear different answers, like "single-color tablecloth"! But what has been forgotten over time is the craft of calico because chintz making has replaced instead. In the market of Isfahan and people's mind, chintz tablecloths are replaced as calico ones. But the craft has just been restored in the same traditional way in Isfahan. In the past, calico has been a de lux and expensive craft and limited to the court, as Dehkhoda defines in his Encyclopedia the word "Ghalamkari" as "a type of colorful woven textile on which figures and flowers are drawn by a brush". In chintz making, the figures are drawn using a stereotype and a paint on a patterned cloth, yet a calico is drawn and painted by a brush, See The Persian Calico Collection by Ehsani, refers to the same fact in its introduction, as well as the Collection of Iranian Calico by Abdolhossein Ehsani, The Calico of the Safavid Period up to Now by Haleh Helali Esfahani, or Calico; its Past, Present, and Future by Alireza Khajeh Ahmad Attari among others. Depending on the usage, the figure is first drawn on the fabric; then the staining starts with special and high quality paints (the paints are higher than the usual standard and do not weaken after washing). All stages of production is done just by hand and brush.



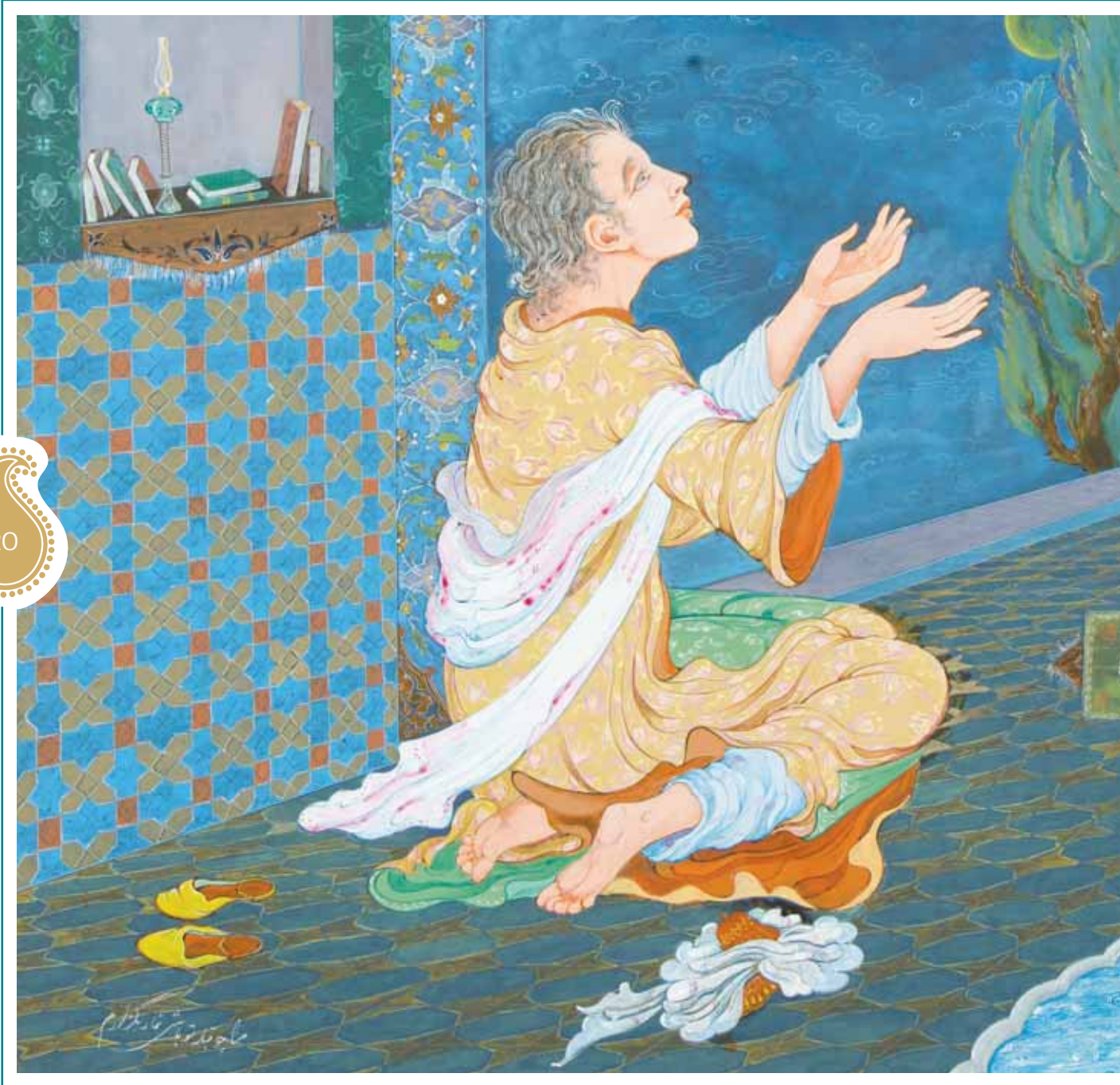


Miniature Painting | Artwork by Amir Houshang Jazizadeh

Paintings of Isfahan School

The first option for art-oriented tourists in Isfahan is, of course, painting. From Alireza Abbasi (side-page arrow: Artist of the Safavid era known for his powerful designs and drawings) who began a new chapter in painting, to contemporary Isfahani artists who work on the canvas and display their artwork in galleries, and craftsmen who work on bone, paper, and ivory, and whose works are further classified as valuable handicrafts and valuable souvenirs of Isfahan, many generations have been attempting to keep this art-craft alive and dynamic. Sepahan's painter artist first takes a proverb or poem from poets such as Hafez, Saadi and Maulana, and creates designs based on them on paper; each time a fresh design. Then, they apply the same design to the canvas, adding the coloring, drawing, decorating, illuminating, and arabesque tracteries to create a painting for display in galleries and art exhibitions. Color and line have the main pillar in painting. For miniature paintings, various art schools have been defined including Baghdad, Seljuk, Tabriz I, Shiraz, Jalali, Shiraz I, Herat, Bukhara, Qazvin, Isfahan and Qajar. In Isfahan, single- iconography has been commonly used, focusing on the form of dresses and decorations, so that the types of turbans may be subject to study for this period. Different types of decorations on the clothes were arranged in the most artistic way, so that the figures of textiles of the paintings were the source of inspiration for fabric weavers and brocade weavers. On the other hand, facial expressions have been also found to be livelier and more realistic. Plant figures and portraying dense magnificent gardens and ornamental trees are also other features of this school. Single-portrait alongside single-iconography has also paved the way for the miniature of this era. Among the contemporary Isfahani artists who have a global reputation, are Javad Rostam Shirazi and Mahmoud Farshchian. Now you can find various painting shops in Isfahan's Dowlatkhane-ye Safavid, a place for selling paintings souvenirs and handicrafts of Isfahan.







ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day

A Puzzle of Tiles

One of the fun things of our childhood was when we would put small pieces of puzzles next to each other and make a complete image; just like a masterpiece that is obtained through a masterful layout; the Sepahan artists are also a master in putting pieces of puzzles next to each other and creating masterpieces. Mosaic (Muaraq) tile is one of the artistic puzzles made by Isfahani tile makers; they first execute the same size and shaped final pattern on paper. Thereafter, they tabulate and number the pattern and separate the pattern from paper using a tool called "Kaghazbor (paper-cutter)" and categorize them based on their color. Then they glue the cut pieces on the tiles with Sirishm (organic paste) and after the pieces have dried, they separate the pieces from each other using a tile-carving axe. Then they poke a hole in those patterns with seeds using a Miqar (scraper), and they polish the pattern and then seed the Arabesque patterns; meaning that each pattern is fixed with its appropriate covering piece using Sirishm (organic paste) and the same numbered pieces are categorized and graded with each other so that the pattern become apparent through the pieces of tiles; then they arranged them from their backside on the ground and close up their sides with mud paste, and pour plaster mortar on their backside. After they are dried, the pieces are separated from the mold and are fixed in the right place using plaster and their back part is filled with grout mortar; the following rows are done in the same manner and then the papers placed on the tiles are washed out with water and their surface is clear.





ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day

Symphony of the Naghsh-e Jahan Square

The smell of Aliye Khanum's gheyme from the copper saucepan stimulates my appetite. In addition to gheyme, she serves the rice which has been prepared in a pot of copper for me on my plate. Every spoon I take, it seems that the beauty and color of her copper set will double in my eyes. She is so fond of dishes that, with a deep enthusiasm, we would visit the Naghsh-e Jahan Square in search of the Coppersmithy workshop bazaar.

The Coppersmithy workshop bazaar is the noisiest of all in the Square. The 70 years old master with a hammer in his hand and eyes on the tray, beats it and the sound of the copper plate multiplied and copper songs echoes in the square. He says that these hammerings are all assumed as a fun, because the copper containers are mainly made with bending devices than hammers, saving energy and time.

However, to make a copper container, firstly, the rolled copper sheets that have reached the required thickness are cut to the dimensions required for the production of copper containers with a specified consignor and special steel scissors. These sheets are cut in circular diameters in different dimensions, which is called drafting. After this stage, the sheets are delivered to the masters, which is done in three ways. Part of the container production is fully automated in the form of pressing. Part of them, however, are prepared in the form of a semi-automated process, and still a small number are hammered by the hands of the masters over a longer period.

In the next step, a layer of tin is plated into the container. The container is then placed on a fire and heated at a high temperature, being added some tin, and when it is in liquid state, the tin fluid is drained over all the internal parts of the container. After it has been washed, it is dried and prepared to be polished. Polishing is the very stage that gives the shining and beauty to the container. At this stage, a layer of dish is removed. At the last stage, on both sides of the container, a hole is created by the machine, and then the brass or copper handles that are already prepared and are placed on the container by some copper pins.





Enamel

A Brilliant Art of Fire and Soil

Seven thousand years ago, human discovered metal, yet it took centuries for the enamels to sit on the gold during Achaemenids and on the daggers during the Sassanids. Vaziri regards decorating and carving on metals, among the handicrafts of the Persians and believes that the enamels known as Byzantine have been adapted from the Persian ones. The famous Iranianologist, Arthur Upham Pope, describes the enamel as a brilliant art of fire and soil, and especially considers the fullness of the enamel as an all-Persian craft. Among the varieties of enamel, painting enamel is the most familiar type of enamel in which before entering the enamel workshop, copper undergoes converting the copper sheet into the container, yielding a bright red one to become a fine turquoise. In the first step, the container is covered with a white and thick glaze, which requires at least three glazing and grilling steps. The glazed container is painted with vivid and brilliant techniques such as Arabesque and Khatai, Pardaz, flower and birds, hunting ground, etc. Depending on the individual's skill, the figures are created directly on the container or transferred from the dipping paper. Then, the figures are painted and depending on the quality of the work, a polishing stage is done around them at the end. The container goes back to the furnace after painting. Since copper enters the enamel workshops, depending on the type of container and glaze, at least four steps of glazing and grill are required until the expulsion of the enamel ones. At the end, if necessary, the edges and bases are polished once again to create an impeccable work of art.







ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day

Silver and Subtlety!

As far as metal is concerned, filigree is the most delicate work. Many Isfahani families prefer to have filigree alongside expensive silverware, which is both lighter and finer and more affordable. To make filigreed containers, the patterns are prepared first and cut into pieces at the workshop. The round pattern is held with a wire and placed on a sheet of iron. Covered with wax, the thin copper, silver (in rare cases, gold) wires are twisted and flanged. The networked wires are sent to the ladies at home who insert thin wires into the wax in the form of a hook, blossom, figure, or tree, etc. Then they fill in the mold and send it to the workshop in order for the wax to be burned and seal the filled parts. The figures are obtained, assembled together and sent for plating. At this stage, the extra parts produced on the wires are removed by the acid and brush and then they enter the basins of nickel and then silver to be completely bleached, and reach the handicraft lovers. Filigree should be snow-white and a five-year warranty for no color change should be obtained from the purchaser.





ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day

A Turquoise Chirping

Turquoise gems are inlaid on the surface of utensils and jewelry so that the underlying metal and gemstones form a single body called firuze-kubi (turquoise inlaying), a registered trades of Isfahan crafts. Brass, silver, copper, steel, and bronze are among the metals that are host of green and blue gems of turquoise. The inlaid object should undergo the three phases of zargrabi, firuze-kubi and polishing. In other words, in the first stage, the craftsman chooses the object, identifying the part that needs to be inlaid and soldering its surrounding it with a thin metal string (of the object itself). On the other hand, dirt and dust from the mines of Mashhad, Neyshabur and Damghan are removed and separated by color and size. In the next step, the object is heated and sprayed a powder of varnish on the parts to be inlaid, so that the varnish powder is almost melted and covers the surface. Now the object looks like a fresh cake and is ready to decorate! One has to inlay turquoise gems on it, so that there are no fissures between the gems. After this step was done well and the spiked parts were cooled, it is time to polish it. The third stage is the polishing, and after it is done, the gems are transparent and the metal parts are shining with sesame oil or olive oil. Soleiman Sedighpur, a craftsman from Isfahan, when asked, states that in 1962, Mohammad Reza Hakimian, a craftsman from Mashhad, has come to his workshop in Isfahan and showed him turquoise inlaying. Then Sedighpur has managed to create turquoise inlaid dishes. Since then, the craft has so flourished in Isfahan and Mashhad that no one guess the history of this craft traces back only half a century.





The Art of Hammer and Burin

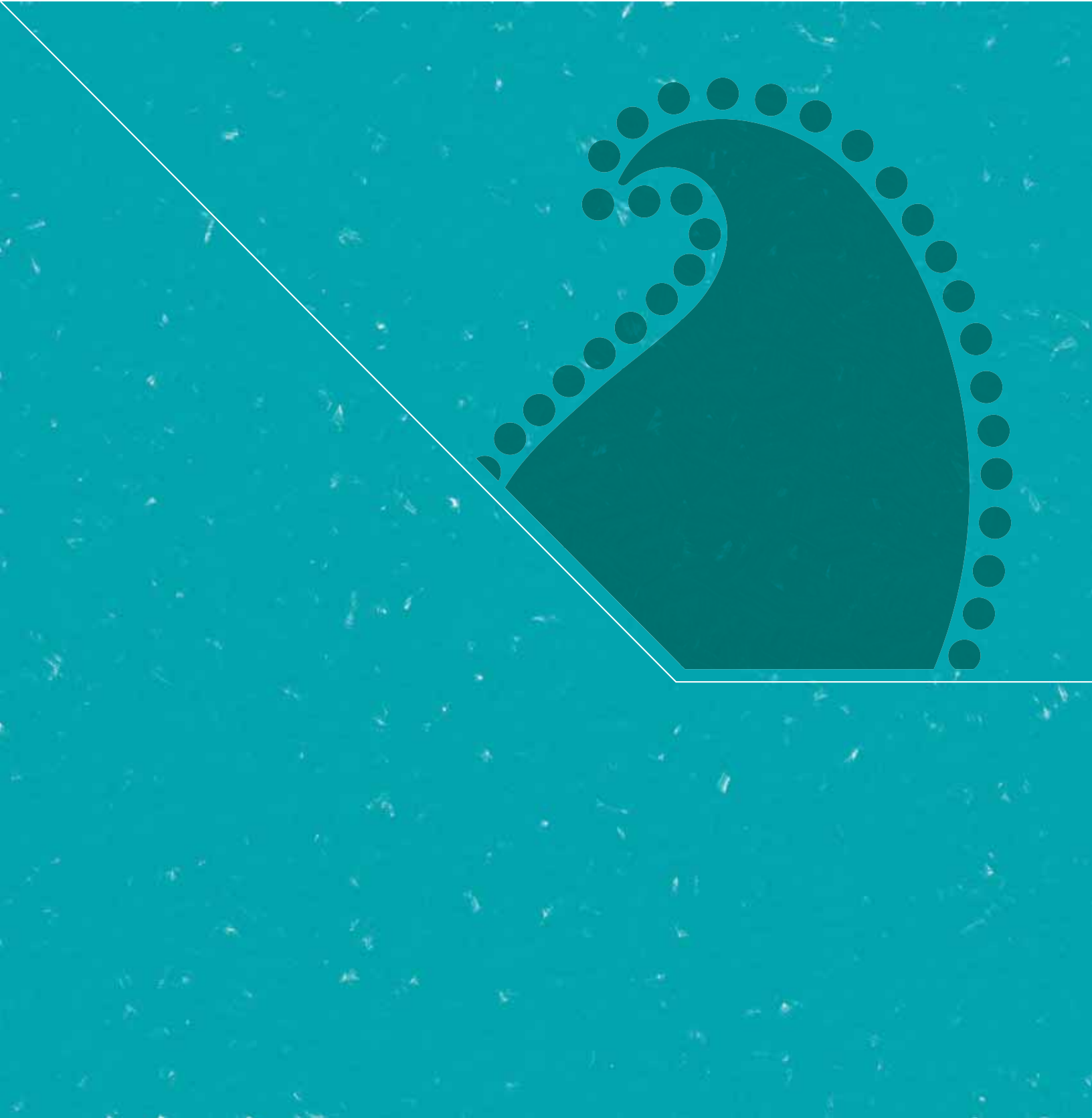
The sound of hammer and burin is heard from the engraving workshop of Imam Mall and the craftsman is busy working. He first fills inside or under the object with melted tar to be cool and firm later. Then the plan is prepared and placed on the brass drill to make some holes; then the surface of the metal is oiled in order for the map to fit on it and a figure is drawn with a charcoal powder. The charcoal powder passes through the holes on the map and sits on the metal surface and the shape of the figure is brought on it. When the engraving begins, the craft is done in several ways; in the embossing style (jondekari), the difference between the subject and the background is high, and the craftsman hits the back and front of the metal. In another method, qalamgiri, by creating the shadow and line in the background, the subject is represented and there is no level difference between the subject and the background. In the rizekari, by creating the context in the background, the original figure is shown, again with no level difference between the background and the figure; still in another method, i.e. monabbat, by creating at most two centimeters level difference between the subject and the background, the figure is realized on the metal. Also, by removing the background, the method moshabbak is done to realize the figure. The craftsman decorates the metal in the qalamgiri method by creating a scratch and groove on it. At the end of the engraving process, the tar is melted and removed from the inside, rinsing the surface with such materials as petrol to completely remove the remaining tar.



1

Stories from
Selected Handicrafts
Of Isfahan







ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day

Isfahan, a Creative City of Crafts and Folk Art

Isfahan Joined the UNESCO Creative Cities Network

On December 12, 2015, the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO) registered Isfahan as a Creative City of Crafts and Folk Art in the UNESCO Creative Cities Network (UCCN). In 2013, Isfahan Organization of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts had nominated Isfahan as a creative city in the field of handicrafts and traditional arts, and after approval by the province's officials, a specialized committee was formed under the direction of Isfahan Academic Center for Education, Culture and Research (Jahad-e Daneshgahi) and a number of experts on handicraft, and in collaboration with Isfahan Municipality Centre for International Affairs. The case was then submitted to UNESCO. To choose a city as a creative one, UNESCO examines the existing infrastructure in relation to the subject in question. Therefore, issues like the city's number of artists and craftsmen, the number of handicrafts stores (centers for selling and exporting handicrafts), the number of handicrafts workshops, the number of higher education institutions in the field of handicrafts, the quantity and quality of general and professional education in this regard, the number of handicrafts exhibitions and the number of specialized libraries on the subject of handicrafts led Isfahan to join the UNESCO Creative Cities Network. The network was created in 2004 and now has 116 members. In the current year, 47 cities in 33 countries worldwide joined the network as members. Besides Isfahan, six other cities were also entitled a "Creative City of Crafts and Folk Art" in the current year. If you visit the website of UCCN, you'll find the names of 55 cities on the list, including Al-Ahsa in Saudi Arabia, Areguá in Paraguay, Aswan in Egypt, Ayacucho in Peru, Baguio in the Philippines, Bamyan in Afghanistan, Bandar Abbas in Iran, Barcelos in Portugal, Biella in Italy, Cairo in Egypt, Caldas da Rainha in Portugal, Carrara in Italy, Chiang Mai in Thailand, Chordeleg in Ecuador, Durán in Ecuador, Fabriano in Italy, Gabrovo in Bulgaria, Icheon in South Korea, Isfahan in Iran, Jacmel in Haiti, Jaipur in India, Jinju in South Korea, João Pessoa in Brazil, Kanazawa in Japan, Kargopol in Russia, Kütahya in Turkey, Limoges in France, Lubumbashi in Congo, Madaba in Jordan, Nassau in the Bahamas, Ouagadougou in Burkina Faso, Paducah in the USA, Pekalongan in Indonesia, Porto-Novo in Benin, San Cristóbal de las Casas in Mexico, Santa Fe in the USA, Sharjah in the UAE, Sheki in Azerbaijan, Sokodé in Togo, Sukhothai in Thailand, Tetouan in Morocco, Trinidad in Cuba, Tunis in Tunisia, Viljandi in Estonia.





Creating Convergence to Promote Handicrafts Is the Goal of Isfahan Urban Management

Ali Ghasemzadeh, Mayor of Isfahan

Isfahan handicrafts are among the most original works of art and handicraft in the world. The unmatched variety of arts and crafts in tens of branches and hundreds of subcategories turned the city into a unique collection and an authentic centre for artists and art lovers.

The historical city of Isfahan is located in the centre of Iran and is the third largest city in the country by area and population. Isfahan is renowned and pre-eminent in regard to the production of art and the abundance of live and prevalent art branches, not only in Iran but also in the whole world.

Due to its distinguished position in the field of handicrafts, Isfahan joined the UNESCO Creative Cities Network (UCCN) in 2015.

The urban management of Isfahan is aiming at the development and promotion of crafts and folk art in the city, thus trying to build networks and promote convergence among governmental institutions, artists and all other players in the field of handicrafts.

In the end, I would like to appreciate the efforts of colleagues in the Department of Human Resources Management and Development, especially the Office of Creativity and Innovation, who organized, in collaboration with other organizations and institutions, a series of events in celebration of the World Handicrafts Day.



ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day

In The Name Of God



Ordered By Creativity and Innovation Center at the Municipality of Isfahan

Deputy of Human Resources Management and Development, Dr Saeid Ebrahimi
Director of Isfahan Municipality Center for Research, Creativity and New Technologies, Dr Morteza Nosoohi
Head of Creativity and Innovation Center at the Municipality of Isfahan, Mohsen Masoomi
Experts of Creativity and Innovation Center Zahra Mohammadi, Soheila Shariat & Elahe Madani

Director Nafise Hajati

Translator Afsaneh Sadeghi

Art Director & Logo Designer Alireza Mazaheri

Photography Editor Hamidreza Nikoomaram

Photographers Mohammad Reza Sharif, Rasoul Shojaie, Azadeh Azizian, Majid Erfanian, Mahdi Zargar, Sara Abbas Nejad, Mohsen Heyatiyan, Zohreh Salimi

Page design of the magazine is inspired by the design of the most important UNESCO World Heritage Site of Isfahan. The design of every 2 pages is a rectangle, resembling the shape of Naqsh-e Jahan square.

صحفان زیبا
گروه رسانہ ای

Designed & Produced by Payam-e Isfahan-e Ziba Cultural and Press Company
Responsible Manager Dr Ali Ghasemzadeh
CEO Ehsan Teimouri

Tel +98 31 32218182 Fax +98 31 32219070

Advertisement Affairs +98 31 32229512

Subscription Affairs +98 31 95012041

Address Gardeshgar+ Magazine Office, Taleghani Street, Emam Hossein Square, Isfahan, Iran

Isfahanziba.ir



Contents

Stories from Selected Handicrafts Of Isfahan/7

Words Of Isfahan Handicraft Artists/29

A New Look at Isfahan Handicrafts/37





ویژہ نامہ روز جہانے
صنایع دستے
10th June World
Handicrafts Day

Isfahan a Creative City of Crafts and Folk Art